

روش خوردن و نوشیدن

نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم

تألیف: سید مسام تحت دار

مدرسہ امیریہ
جزیرہ قشم - گیاهان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روش خوردن و نوشیدن
نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم

تألیف:
سید مسلم تحت دار

مدرسه امیریہ
جزیرہ قشم - گیاهدان

فهرست

مقدمه:	۹
صفت میهمانی رسول الله صلی الله علیه وسلم:	۱۱
روش رسول الله صلی الله علیه وسلم در دعوت بسوی طعام:	۱۱
هدیه دادن طعام به رسول الله صلی الله علیه وسلم:	۱۴
تشویق رسول الله صلی الله علیه وسلم بر طعام دادن به گرسنگان:	۱۴
دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به اهل صُفّه بر شیر اندک و تعداد بسیاری که از آن نوشیدند:	۱۵
کاسه‌ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم با آن، چهل نفر از قومش را طعام داد:	۱۶
تشویق به میهمانی کردن بدون اسراف:	۱۷
ولیمه‌ی ازدواج رسول الله صلی الله علیه وسلم:	۱۸
تشویق به ولیمه دادن:	۱۹
اجابت کردن دعوت:	۱۹
بدترین طعام عروسی:	۲۰
اجابت کردن ولیمه‌ی عروسی:	۲۰
اگر دعوت شد ولی مُنکری دید؛ می‌تواند برگردد:	۲۱
اگر دعوت شد؛ آیا خوردن واجب می‌شود؟:	۲۱
اگر دعوت شد؛ اما روزه‌دار بود:	۲۲
آیا دعوت‌شوندگان می‌توانند دیگری را به همراه خود بیاورند؟:	۲۲
عقیقه از طرف حسن و حسین رضی الله عنهما:	۲۳
تشویق به عقیقه کردن:	۲۳

- ۲۳..... تشویق به درست کردن طعام برای بستگان میت:.....
- ۲۴..... دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به میزبان:.....
- ۲۵..... دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به افطاردهنده:.....
- ۲۵..... **صفت آداب رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش از غذا و اثنای آن:**.....
- ۲۵..... صفت طعام رسول الله صلی الله علیه وسلم:.....
- ۳۱..... صفت خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم:.....
- ۳۴..... قبل از خوردن باید دانست که چه چیزی می خورد؟:.....
- ۳۴..... حضور شیطان بر غذا و چگونگی دور کردن او:.....
- رسول الله صلی الله علیه وسلم غذا را می ستود و گاهی از غذایش سوال می گرفت:
- ۳۵.....
- ۳۶..... صحبت کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سر سفره:.....
- ۳۶..... نهی از طعامی که بر آن منکری باشد:.....
- ۳۷..... اجتناب از غذا و نوشیدنی بسیار داغ:.....
- ۳۷..... استحباب آغاز خوردن با فرد بزرگ تر و فاضل تر:.....
- ۳۸..... تحریم خوردن در ظرف های طلا و نقره:.....
- ۳۸..... فرا رسیدن وقت نماز به هنگام گرسنگی:.....
- ۳۹..... **صفت نشستن رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تناول طعام:**.....
- ۳۹..... نهی از تکیه دادن به هنگام خوردن:.....
- ۳۹..... زانو زدن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سر سفره:.....
- خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالت نشستن بر نشیمن گاه در حالی که
- ۴۰..... ساق ایشان کاشته بودند:.....
- ۴۱..... نهی از خوردن از وسط بشقاب:.....
- ۴۱..... صفت کاسه ی رسول الله صلی الله علیه وسلم:.....
- ۴۲..... امر به خوردن از مقابل خویش:.....
- ۴۲..... نهی از دو تا دو تا خوردن یا بیش تر به همراه دیگران:.....
- ۴۳..... خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه انگشت:.....
- ۴۳..... لیسیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم دستان خویش بعد از خوردن:.....

- ۴۴ سفارش به پاک کردن کامل بشقاب:.....
- ۴۴ تسبیح طعام نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم:.....
- ۴۵ سفارش به الحمد لله گفتن بعد از خوردن غذا:.....
- ۴۵ سیغیه‌های حمدی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد شده:.....
- ۴۶ مسلمان در یک معده و کافر در هفت معده می خورد:.....
- ۴۷ سفارش کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم به بستن سر ظروف:.....
- ۴۹ نهی از آروغ زدن جلو مردم:.....
- ۴۹ عدم اجبار بیماران به غذا خوردن:.....
- ۵۰ **طعام رسول الله صلی الله علیه وسلم:**.....
- ۵۰ رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک روز، دو بار از نان یا گوشت سیر نخورد: ..
- ۵۰ صفت نان رسول الله صلی الله علیه وسلم:.....
- ۵۲ سفارش به شستن دست‌ها بعد از خوردن:.....
- ۵۲ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم خیار چنبر با رطب:.....
- ۵۳ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم هندوانه با رطب:.....
- ۵۳ دوست داشتن رسول الله صلی الله علیه وسلم گوشت ساعد:.....
- ۵۳ مورد پسند واقع شدن گوشت کمر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم:.....
- ۵۴ زیاد کردن آبگوشت و توجه به همسایگان:.....
- ۵۴ نزدیک کردن گوشت به دهان:.....
- ۵۴ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت بریان:.....
- ۵۵ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت گوسفند:.....
- ۵۵ ستودن و تعریف کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت:.....
- ۵۶ دوست داشتن رسول الله صلی الله علیه وسلم، کدو تنبل را:.....
- ۵۷ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم کدو تنبل را با گوشت خشک:.....
- ۵۷ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت خشک:.....
- ۵۸ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از خَیص اهل فارس:.....
- ۵۹ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از غوره یا خارک خرما:.....
- ۵۹ خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از پنیر:.....

- خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت خرگوش: ۶۰
- امر رسول الله صلی الله علیه وسلم به فرو بردن مگس هنگام واقع شدن: ۶۰
- غذایی که رسول الله صلی الله علیه وسلم خوردنش را می‌پسندید: ۶۱
- رسول الله صلی الله علیه وسلم حلوا و عسل را دوست می‌داشت: ۶۲
- رسول الله صلی الله علیه وسلم و کراهیت دانستن خوردن پیاز سیر: ۶۲
- نهی از خوردن چیزهای بدبو و وارد شدن به اجتماع: ۶۲
- تاکید رسول الله صلی الله علیه وسلم بر بودن خرما در خانه: ۶۳
- جدا کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم خرمای سالم از فاسد: ۶۳
- خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم خرما را با کره: ۶۳
- جواز بهره‌گیری از ظروف کفار: ۶۴
- رسول الله صلی الله علیه وسلم و خوردن ملخ: ۶۵
- رسول الله صلی الله علیه وسلم و خوردن ماهی عَنَبِر: ۶۵
- صفت نوشیدنی رسول الله صلی الله علیه وسلم:** ۶۷
- رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه نفس می‌نوشید: ۶۷
- نهی از فوت کردن و دمیدن در آب: ۶۷
- نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم به نشسته و ایستاده: ۶۸
- نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از دهانه‌ی مشک: ۶۹
- دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به ساقی: ۷۱
- سرور نوشیدنی‌ها در دنیا و آخرت: ۷۲
- محبوب‌ترین نوشیدنی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم: ۷۲
- نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب زمزم: ۷۲
- نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از شیر: ۷۴
- استحباب آغاز از سمت راست: ۷۴
- دعای بعد از نوشیدن شیر: ۷۵
- خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از عسل: ۷۶
- استحباب آشامیدن ساقی، آخر از همه: ۷۶
- نهی از نوشیدن از محل تَرَک خورده‌ی ظرف: ۷۶

- نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از نیذ خرما و کشمش:..... ۷۶
- معجزات رسول الله صلی الله علیه وسلم:**..... ۷۸
- معجزه‌ی جوشیدن آب از میان انگشتان مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم
وسیراب شدن مسلمانان:..... ۷۸
- معجزه‌ی تکثیر آب و سیراب شدن مسلمانان:..... ۷۸
- معجزه‌ی تکثیر طعام و سیر شدن مسلمانان:..... ۸۲
- معجزه‌ی پر شیر گشتن پستان گوسفند:..... ۹۰
- فهرست منابع..... ۹۴

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْعَلِيِّ الْقَدِيرِ، بَاسِطِ الْأَرْضِ وَرَافِعِ السَّمَوَاتِ،
وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى الْمُبْعُوثِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ،
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحَابَتِهِ أَجْمَعِينَ.

الله عزوجل انسان را در زمین خلیفه قرار داد و از لطف و کرم خویش با فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی، راه و روش درست زندگی کردن را بدو آموخت و به تمامی جوانب زندگی انسان، برنامه‌های دقیق و جامعی ارائه نمود تا زیر سایه‌ی مهر گستر اسلام بتواند دنیایش را پویا و آخرتش را زیبا سازد.

یکی از جوانب اساسی در زندگی انسان، خوردن و نوشیدن است. چیزی که انسان همواره بدان نیازمند است و زندگی بدون آن امکان پذیر نیست. علاوه بر آن، سلامتی و تندرستی انسان در گرو درست خوردن و درست نوشیدن است.

همچنین آمادگی بدنی و قوت و قدرت جسمانی به شیوه‌ی خوردن و نوشیدن انسان بستگی دارد.

بنابراین لازم و ضروری است که دستورات و فرامین الله عزوجل به پیامبرش را در این رابطه بدانیم و این دستورات و فرامین را با جان و دل پذیرفته و به آن جامه‌ی عمل بپوشانیم.

این کتاب، روش خوردن و نوشیدن پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم را به نمایش می‌گذارد. پیامبری که خداوند متعال در مورد ایشان در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾.

با اطاعت و پیروی از افعال، کردار و تقریرات رسول الله صلی الله علیه وسلم، موجبات رضایت الله عزوجل را فراهم ساخته، زندگی زیبا و پر نشاطی را برای خود و خانواده‌ی خود رقم خواهیم زد. زیرا دین اسلام، دینی است که به زندگی دو جهان انسان اهمیت قائل است.

از الله عزوجل خواهانم که توفیق پیروی از فرمایشات رسول الله صلی الله علیه وسلم را نصیب‌مان بنماید.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

سید مسلم تخت‌دار

مدرسه امیریه،

جزیره قشم - گیاهدان

۱۳۹۹/۷/۱۰

صفت میهمانی رسول الله صلی الله علیه وسلم:

روش رسول الله صلی الله علیه وسلم در دعوت بسوی طعام: ۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را تشویق می کرد که صالحین را جهت سرو غذا به منزل خویش دعوت کنند. و بسیار تأکید می فرمود که دعوت برای پرهیزکاران باشد نه فاسقین.

ایشان صلی الله علیه وسلم می فرمایند: **أَكْلُ طَعَامِكَ الْأَبْرَارُ**؛ طعام خویش را به نیکوکاران بخوران.

رسول الله صلی الله علیه وسلم هشدار دادند بر اشتباهی که بسیاری از مردم به هنگام دعوت کردن بخصوص دعوت عروسی مرتکب آن می شوند و آن، دعوت کردن سرمایه داران و رها کردن مستمندان است.

ایشان صلی الله علیه وسلم می فرمایند: **شَرُّ الطَّعَامِ الْوَلِيمَةُ يُدْعَى إِلَيْهَا الْأَغْنِيَاءُ دُونَ الْفُقَرَاءِ**.^۳ بدترین طعامها، طعام عروسی است که سرمایه داران دعوت کرده شوند نه مستمندان.

۱ . شایسته است که بستگانش را در میهمانی دعوت دهد زیرا دعوت نکردن آنان نشانه‌ی قطع رحم است. همچنین رده‌بندی کردن خویشاوندن بر حسب نزدیکی آنان با او باز هم از اهمیت زیادی برخوردار است.

از آداب طعام: اگر مطمئن است که فلانی دعوت را نمی‌پذیرد و به میهمانی نمی‌آید یا اگر می‌آید اظهار ناراضیتی و شکوه می‌کند او را دعوت نکند.

۲ . ابن ماجه ۱۷۴۷، احمد ۱۳۸/۳، شرح السنة ۲۸۳/۱۲، مشکل الآثار ۴۹۸/۱

۳ . مسلم ۱۴۳۲، ابوداود ۳۷۴۲

آداب حاضر کردن غذا:

اول: شتابیدن در آماده کردن غذا:

قران کریم شکل زیبایی از سخاوت را برای ما به نمایش می‌گذارد آن زمان که قصه‌ی ابوالانبياء ابراهيم عليه السلام به تصوير می‌کشد و می‌فرماید: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ

﴿إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾ [الذاریات/۲۴] آیا خبر میهمانان گرامی داشته شده‌ی ابراهیم علیه السلام به تو رسید؟

آنان بوسیله‌ی شتابیدن ابراهیم جهت تهیه‌ی غذا گرامی داشته شدند. دلیل آن: ﴿فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ خَنِينٍ﴾ [هود/۶۹] پس ابراهیم درنگ نکرد و با گوساله‌ی کیاب شده آمد. و همچنین فرمود: ﴿فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾. [الذاریات/۲۶] بدنبال آن، پنهانی بسوی خانواده‌اش رفت و گوساله‌ی فربه‌ای را آورد.

از حاتم اصم روایت شده که گفت: عجله از شیطان است مگر در پنج چیز. و این پنج چیز از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است: خوراک دادن - آماده کردن میت - به ازدواج در آوردن دختر بکر - پرداختن بدهکاری - توبه از گناه.

شتابیدن به طعام عروسی نیز مستحب است بخصوص اگر ولیمه چند روز ادامه داشته باشد که در این صورت در روز اول بشتابد زیرا ولیمه در روز اول سنت و در روز دوم پسندیده و در روز سوم ریاست. [احیاء علوم الدین ۱۶/۲ و ۱۷]

دوم: ترتیب طعام:

علمای ما از قدیم، میوه را بر غذا مقدم می‌داشتند. از آنان: امام ابوحامد غزالی است که در کتاب احیاء علوم الدین چنین استدلال می‌آورد: در قران قرینه و نشانه‌ای وجود دارد که دلالت می‌دهد میوه بر غذا مقدم است و آن در سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۲۰ است که در مورد طعام بهشتیان می‌فرماید: ﴿وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ﴾. سپس در آیه‌ی بعدی، آیه‌ی ۲۱ می‌فرماید: ﴿وَوَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ﴾.

سپس بهترین چیزی که بعد از میوه آورده می‌شود ترید با گوشت است. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ التَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ. [البخاری/۳۴۳۳] برتری عایشه بر سایر زنان همانند برتری ترید بر سایر خوراکی‌هاست. سپس گوشت را مقدم می‌کند همان‌گونه که در قصه‌ی ابراهیم علیه السلام گذشت که گوشت کیاب شده آورد.

از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت شده: «سَيِّدُ طَعَامِ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَهْلُ الْجَنَّةِ اللَّحْمُ» [ضعیف، ابن ماجه/۳۳۰۵] سرور خوراکی‌های اهل دنیا و اهل بهشت، گوشت است.

باز هم از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت شده: **خَيْرُ الْإِدَامِ اللَّحْمُ، وَهُوَ سَيِّدُ الْإِدَامِ.** [شعب الإیمان/۲۹/۲. در این روایت یزید بن أبان رقاشی وجود دارد که ضعیف است] بهترین نانخورش، گوشت است و آن سرور نانخورش هاست.

سوم: غذاهای خوشمزه را مقدم کند تا اینکه میهمانان خوب بهره ببرند و بعد از آن زیاد نخورند. اما عادت نازپروردگان است که غذاهای خوشمزه را به آخر موکول می‌کنند تا اینکه بار دیگر اشتهايشان باز شود و بیشتر بخورند. این عمل خلاف سنت است زیرا حيله‌ای در پرخوری است.

چهارم: میزبان در برداشتن سفره از خود عجله نشان ندهد تا اینکه میهمانان از خوردن دست بکشند. زیرا ممکن است برخی از آنان هنوز به غذا اشتها داشته باشند. پنجم: به اندازه‌ی میهمانان غذا تهیه کند. زیرا اگر غذا کمتر از کفایت میهمانان بی‌آورد شخصیت وی زیر سؤال می‌رود و اگر بیشتر از حاجت آنان بی‌آورد تظاهر، تشریفات و ریاست. آداب انصراف از میهمانی:

اول: میزبان باید تا دم در، میهمانان را همراهی کند. این سنت و از باب گرامی‌داشتن میهمان است و ما مأمور شده‌ایم که به میهمان اکرام و احترام کنیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: **مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ صَيْفَهُ.** [بخاری ۶۰۱۸]. هر کس به خدا و روز رستاخیز ایمان کامل دارد باید میهمانش را گرامی بدارد.

دوم: میهمان باید با رویی گشاده از منزل میزبان خارج شود اگر چه میزبان در حق وی کوتاهی کرده باشد و این از مکارم اخلاق و منش نیکو محسوب می‌شود. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: **«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحَسَنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ»** [صحیح، ابوداود/۴۷۹۸]. بی‌گمان مومن با اخلاق نیکویش به درجه‌ی روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد.

سوم: میهمان بدون اجازه و رضایت صاحب خانه از خانه خارج نشود. و در ماندن نیز حال صاحب‌خانه را مراعات نماید. و هرگاه جایی میهمان شد بیشتر از سه روز اقامت نکند چه بسا ممکن است که صاحب‌خانه از این کارش به ستوه آید و ملول شود. رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: **الصِّيَافَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ وَمَا بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ صَدَقَةٌ.** [صحیح، ابوداود/۳۷۴۸]. حق میهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه و احسان صاحب‌خانه است.

اگر صاحب‌خانه با رضایت خاطر بر ماندنش پافشاری کرد در این هنگام برایش رواست که بماند.

هدیه دادن طعام به رسول الله صلی الله علیه وسلم:

رسول الله صلی الله علیه وسلم یارانش را بسیار دوست می داشت و خوراکی ها را میان آنان تقسیم می کرد هر چند ناچیز بودند.
عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُهْدِيَتْ لَهُ أَقْبِيَّةٌ مِنْ دِيبَاجٍ، مُزْرَرَةٌ بِالذَّهَبِ، فَفَسَمَهَا فِي نَاسٍ مِنْ أَصْحَابِهِ.^۱
به رسول الله صلی الله علیه وسلم قباهایی از ابریشم که دکمه های آن ها از طلا بود هدیه داده شد. ایشان صلی الله علیه وسلم، آن قباها را بین یاران خویش تقسیم نمودند.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «أَهْدَى مَلِكُ الْهِنْدِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَرَّةً فِيهَا زَنْجَبِيلٌ فَأَطْعَمَ أَصْحَابَهُ قِطْعَةً قِطْعَةً وَأَطْعَمَنِي مِنْهَا قِطْعَةً»^۲

پادشاه هند به رسول الله صلی الله علیه وسلم سبویی را هدیه داد که در آن زنجبیل قرار داشت. رسول الله صلی الله علیه وسلم به یاران خویش قطعه قطعه ای عطا فرمود و مرا یک قطعه خورانید.

تشویق رسول الله صلی الله علیه وسلم بر طعام دادن به گرسنگان:

رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را به طعام دادن به گرسنگان، عیادت بیماران و آزاد کردن اسیران تشویق و ترغیب می نمود.

مستحب است که نزد خویش فراشی برای میهمان آماده سازد. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ، وَفِرَاشٌ لِامْرَأَتِهِ، وَالثَّلَاثُ لِلصَّيْفِ، وَالرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ».
[مسلم/۲۰۸۴]. فراشی برای مرد، فراشی برای زن و سومی فراشی برای میهمان و فراش چهارم برای شیطان است.

۱ . البخاري ۶۱۳۲

۲ . ضعيف، المستدرک للحاکم ۷۱۹۰

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «أَطْعَمُوا الْجَائِعَ، وَعَوَّدُوا الْمَرِيضَ، وَفُكُّوا الْعَائِي» قَالَ سُفْيَانُ: وَالْعَائِي: الْأَسِيرُ^۱

گرسنگان را طعام دهید و بیماران را عیادت کنید و اسیران [مسلمانی که در دستان کفار گرفتارند را] آزاد سازید.

دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به اهل صفه بر شیر اندک و تعداد

بسیاری که از آن نوشیدند:

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: قسم به خداوندی که جز او معبودی به حق نیست، گاهی می شد که از شدت گرسنگی شکم بر زمین می ساییدم و گاهی هم سنگی به شکم می بستم.

روزی بر سر راه اصحاب نشستیم که ناگهان ابوبکر صدیق رضی الله عنه بر من گذر کرد و از ایشان در مورد آیه ای پرسیدم. ایشان جوابم را داد اما متوجه حالم نشد. سپس عمر فاروق رضی الله عنه از کنارم گذر کرد و از ایشان نیز در مورد آیه ای پرسیدم اما ایشان نیز بر حالم متفطن نشد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم بر من گذر کردند و هنگامی که مرا دیدند تبسم نمودند. ایشان از چه راهم بر حالم واقف شدند و فرمودند: ای اباهریره! گفتم لبیک ای رسول خدا. فرمودند: همراهم بیا. من نیز بدنبال ایشان براه افتادم. ایشان به منزل خویش داخل شدند و اذن دخول گرفتند سپس به من اجازه ی ورود دادند. ایشان صلی الله علیه وسلم شیری را دیدند و به اهل خویش فرمودند: این شیر از کجا؟ گفتند: خانواده ی فلانی به شما هدیه داده است. سپس به من رو کردند و فرمودند: ای اباهریره! گفتم: لبیک ای رسول خدا. فرمودند: به نزد اهل صفه برو و ایشان را فراخوان. با خود گفتم: اهل صفه [با این جمعیت زیاد] با یک کاسه ی شیر چکار؟ من به این کاسه ی شیر از اهل صفه سزاوراتم و با خوردن آن، انرژی و قوت می گیرم. وقتی آنان بیایند رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا

امر می نمایند که به آنان بدهم و چیزی به من نخواهد رسید. اما باید امر رسول الله صلی الله علیه وسلم را اطاعت می کردم.

به نزد آنان رفتم و آنان را دعوت کردم. آنان آمدند و اجازه گرفتند. به آنان اجازه داده شد. پس وارد شدند و نشستند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ای اباهریره! گفتم: لیبیک ای رسول خدا. فرمودند: این کاسه‌ی شیر را بگیر و به آنان بده. کاسه را گرفتم و به یکی یکی دادم و هر کدام از آنان سیر می نوشید و به بغل دستی می داد تا اینکه همگی سیر شدند. کاسه‌ی شیر را به رسول الله صلی الله علیه وسلم تقدیم نمودم. ایشان به من نظری افکندند و تبسم کنان فرمودند: ای اباهریره! گفتم: لیبیک ای رسول خدا. فرمودند: من و شما ماندیم. گفتم: راست گفتمی ای رسول خدا. فرمودند: بنشین و بنوش. من نشستم و نوشیدم. دوباره فرمودند: بنوش. من نیز نوشیدم. همینطور پیوسته می فرمود که بنوش تا اینکه من گفتم: قسم به آن خداوندی که تو را به حق مبعوث کرده دیگر راهی برایش نمی یابم. فرمودند: پس کاسه را بده. کاسه را به ایشان تقدیم کردم. ایشان حمد خدا را بجا آوردند و نام خدا بردند و باقی آن را نوشیدند.^۱

کاسه‌ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم با آن، چهل نفر از قومی را

طعام داد:

علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت می کند: زمانی که آیه‌ی ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ نازل شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: ای علی! پای گوسفندی را با یک صاع از طعام بیز و کاسه‌ی بزرگی را پر از شیر کن، سپس بنی عبدالمطلب را دعوت نما. من آن را انجام دادم. پس همگی حضور بهم رسانیدند و در میهمانی حاضر شدند. آنان چهل یا سی و نه نفر بودند که در میانشان عموهای ایشان: ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب نیز بودند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم طعام را مقابل آنان گذاشت. آنان سیر خوردند و سیر نوشیدند اما گویا طعام و شیر دست نخورده بود و کسی از آن استفاده نکرده بود. سپس فرمود: ای بنی عبدالمطلب! من بسوی شما بطور خاص و بسوی مردم بطور عام مبعوث شدم و شما این معجزه [تکثیر طعام] را با چشمهای خویش مشاهده کردید پس کدامین شما با من بیعت می کند که یار و یاور من باشد؟ علی رضی الله عنه می گوید: کسی بلند نشد. پس من بلند شدم در حالی که کم سن و سال ترین قوم بودم.

در روایتی وارد شده که ابولهب گفت: محمد، چشمان شما را سحر کرده است و قوم متفرق شدند. فردای آن روز، رسول الله صلی الله علیه وسلم بار دیگر آنان را به میهمانی دعوت نمود و باز هم آن معجزه را مشاهده کردند.^۱

تشویق به میهمانی کردن بدون اسراف:

بی گمان میهمانی کردن سبب تقویت و استحکام مودت و دوستی می شود. میهمانی دوری را نزدیک می کند، کینه و کدورت را می زداید. از این جهت رسول الله صلی الله علیه وسلم به این روش نیک ارج نهاده و بر زنده نگه داشتن آن تأکید زیادی نموده است. ایشان صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكْرِمْ صَيفَهُ».^۲

کسی که به خداوند و روز رستاخیز ایمان کامل دارد پس باید میهمانش را گرامی بدارد.

و می فرماید: «لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُضِيفُ».^۳

۱ . قال الهيثمي في مجمع الزوائد ۱۴۱۰۹: رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَرِجَالُهُ ثِقَاتٌ. وَفِي رِوَايَةِ أُخْرَى ۱۴۱۱۰: رَوَاهُ الْبَزَّازُ وَاللَّفْظُ لَهُ، وَأَحْمَدُ بِإِحْتِصَارٍ، وَالطَّبْرَائِيُّ فِي الْأَوْسَطِ بِإِحْتِصَارٍ أَيْضًا، وَرِجَالُ أَحْمَدُ وَأَحَدُ إِسْنَادَيْ الْبَزَّازِ رِجَالُ الصَّحِيحِ غَيْرَ شَرِيكَ وَهُوَ ثِقَةٌ.

۲ . البخاری ۶۰۱۸، مسلم ۴۷

۳ . حسن، مسند أحمد ۱۷۴۱۹

کسی که به خداوند و روز رستاخیز ایمان کامل دارد پس باید میهمانش را گرمی بدارد.

همچنین در کفارات مشاهده می‌کنیم که اسلام شیوه و ابتکار منحصر به فردی را ارائه می‌دهد و برای هر کفاره‌ای اطعام طعام را به فقرا و مستمندان در نظر می‌گیرد که ما چنین ابتکاری را در سایر ادیان سراغ نداریم. بعنوان مثال در کفاره‌ی قسم، طعام دادن به ده مسکین و در کفاره‌یظهار و جماع کردن به هنگام روزه در ماه مبارک رمضان، طعام دادن به شصت مسکین در نظر گرفته شده است.

ولیمه‌ی ازدواج رسول الله صلی الله علیه وسلم:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «أَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ خَيْبَرَ وَالْمَدِينَةِ ثَلَاثًا يُبْنَى عَلَيْهِ بِصَفِيَّةَ بِنْتِ حُيَيٍّ، فَدَعَوْتُ الْمُسْلِمِينَ إِلَى وَلِيمَتِهِ فَمَا كَانَ فِيهَا مِنْ خُبْزٍ وَلَا لَحْمٍ أَمْرًا بِالْأَنْطَاعِ، فَأَلْقَى فِيهَا مِنَ التَّمْرِ وَالْأَفِطِ وَالسَّمْنِ، فَكَانَتْ وَلِيمَتُهُ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم بین خیبر و مدینه سه روز اقامت گزید و این اقامت برای شب زفاف صفیه بنت حُیّی رضی الله عنها بود. من مسلمانان را به ولیمه‌ی ازدواج ایشان دعوت کردم که نانی و گوشتی در آن وجود داشت. امر کرده شد که پوستی را پهن کنند و در آن خرما، کشک و روغن انداخت. ولیمه‌ی ازدواج ایشان [همین] بود.

عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ شَيْبَةَ، قَالَتْ: «أَوْلَمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ بَعْضَ نِسَائِهِ بِمُدَيْنٍ مِنْ شَعْبِ»^۲

^۱ . البخاري ۵۰۸۵

^۲ . البخاري ۵۱۷۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم برای بعضی از همسران خویش دو مد جو ولیمه‌ی ازدواج داد.

عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: «مَا أَوْلَمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ نِسَائِهِ مَا أَوْلَمَ عَلَى زَيْنَبَ، أَوْلَمَ بِشَاةٍ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم بر چیزی از همسران خویش ولیمه نداد آن چیزی که بر زینب بنت جحش رضی الله عنها ولیمه داد. [برایش] یک گوسفندی ولیمه داد.

تشویق به ولیمه دادن:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ: «أَوْلِمَ وَلَوْ بِشَاةٍ»^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم به عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه فرمود: ولیمه‌ی ازدواج بده و اگر یک گوسفند باشد.

اجابت کردن دعوت:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ».^۳

حق مسلمان بر مسلمان پنج است: رد سلام، عیادت بیمار، دنبال کردن جنازه، اجابت کردن دعوت، دعا کردن به عطسه‌زننده.

۱ . البخاري ۵۱۶۸

۲ . البخاري ۶۰۸۲

۳ . البخاري ۱۲۴۰

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ، فَلْيُجِبْ، فَإِنْ شَاءَ طَعِمَ، وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ»^۱.

هرگاه یکی از شما بسوی طعامی دعوت شد پس اجابت کند. (بعد از این که دعوت را اجابت کرد) اگر خواست می خورد و اگر نخواست رها می سازد (و نمی خورد).

بدترین طعام عروسی:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ، يُمْتَعُهَا مَنْ يَأْتِيهَا، وَيُدْعَى إِلَيْهَا مَنْ يَأْبَاهَا»^۲.

بدترین طعام، طعام عروسی است که کسانی که برای (خوردن) آن می آیند؛ منع کرده می شوند. و کسانی که از آمدن بسوی آن امتناع می ورزند؛ دعوت کرده می شوند (یعنی: فقرا و مستمندان راه داده نمی شوند و ثروتمندان، اهل جاه و مقام و ریاست فراخوانده می شوند).

اجابت کردن ولیمه عروسی:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى الْوَلِيمَةِ فَلْيَأْتِهَا»^۳.

هرگاه یکی از شما به طعام عروسی دعوت شد؛ باید به آن برود.

وَفِي رِوَايَةٍ: «وَمَنْ لَمْ يُجِبِ الدَّعْوَةَ، فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۴

و کسی که دعوت را اجابت نکرد؛ قطعاً نافرمانی الله عزوجل و پیامبرش صلی الله علیه وسلم نموده است.

۱ . مسلم ۱۴۳۰

۲ . مسلم ۱۴۳۲

۳ . البخاري ۵۱۷۳

۴ . مسلم ۱۴۳۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى وَلِيمَةٍ عُرْسٍ، فَلْيُجِبْ»^۱.

هرگاه یکی از شما به طعام عروسی دعوت شد؛ باید اجابت کند.

اگر دعوت شد ولی مُنْكَرِي دید؛ می تواند برگردد:

عَنْ عِيٍّ قَالَ: صَنَعْتُ طَعَامًا، فَدَعَوْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَاءَ، فَدَخَلَ فَرَأَى سِتْرًا فِيهِ تَصَاوِيرُ فَخَرَجَ وَقَالَ: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ تَصَاوِيرُ»^۲.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه می گوید: طعامی درست کردم و رسول الله صلی الله علیه وسلم را دعوت کردم. ایشان آمدند و داخل شدند. ناگهان پرده ای را دیدند که تصاویر داشت. بلافاصله خارج شدند و فرمودند: بدون شک فرشتگان به خانه ای که در آن تصاویر باشد؛ داخل نمی شوند.

اگر دعوت شد؛ آیا خوردن واجب می شود؟:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى طَعَامٍ، فَلْيُجِبْ، فَإِنْ شَاءَ طَعِمَ، وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ»^۳.

هرگاه یکی از شما بسوی طعامی دعوت شد پس اجابت کند. (بعد از این که دعوت را اجابت کرد) اگر خواست می خورد و اگر نخواست رها می سازد (و نمی خورد).

۱ . مسلم ۱۴۲۹

۲ . صحیح، النسائی ۵۳۵۱

۳ . مسلم ۱۴۳۰

اگر دعوت شد؛ اما روزه دار بود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ، فَلْيُجِبْ، فَإِنْ كَانَ صَائِمًا، فَلْيُصَلِّ، وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا، فَلْيَطْعَمْ»^۱.

هرگاه یکی از شما دعوت شد پس اجابت کند. اگر روزه (سنت) بود پس به صاحب‌خانه دعای مغفرت و برکت و... کند. و اگر روزه نبود پس طعام خورد.

آیا دعوت شوندگان می‌توانند دیگری را به همراه خود بیاورند؟:

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: كَانَ مِنَ الْأَنْصَارِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ أَبُو شُعَيْبٍ، وَكَانَ لَهُ غُلَامٌ حَتَامٌ، فَقَالَ: اصْنَعْ لِي طَعَامًا، أَدْعُو رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَامِسَ خَمْسَةٍ، فَدَعَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَامِسَ خَمْسَةٍ، فَتَبِعَهُمْ رَجُلٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّكَ دَعَوْتَنَا خَامِسَ خَمْسَةٍ، وَهَذَا رَجُلٌ قَدْ تَبِعَنَا، فَإِنْ شِئْتَ أَذْنُتْ لَهُ، وَإِنْ شِئْتَ تَرَكْتَهُ» قَالَ: بَلْ أَذْنُتْ لَهُ^۲.

مردی از انصار بود که به او ابوشعیب گفته می‌شد. ابوشعیب برده‌ای داشت که قصاب بود. ابوشعیب به او گفت: برایم طعامی درست کن تا رسول الله صلی الله علیه وسلم را به همراه چهار نفر دیگر دعوت کنم. بلافاصله رسول الله صلی الله علیه وسلم را به همراه چهار نفر دیگر دعوت کرد. پس مردی ایشان را دنبال کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (ای اباشعیب!) تو ما را به همراه چهار نفر دعوت کردی و این مرد ما را دنبال کرد پس اگر خواسته باشی به او اجازه می‌دهی و اگر نخواستته باشی او را رها می‌کنی. ابوشعیب گفت: بلکه به او اجازه می‌دهم.

۱. مسلم ۱۴۳۱

۲. البخاری ۵۴۳۴

عقیقه از طرف حسن و حسین رضی الله عنهما:

عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ يَوْمَ السَّابِعِ وَسَمَّاهُمَا وَأَمَرَ أَنْ يُمَاظَ عَنْ رُءُوسِهِمَا الْأَذَى»^۱.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز هفتم از طرف حسن و حسین رضی الله عنهما عقیقه نمودند و ایشان را نامگذاری کردند و فرمان دادند که سر ایشان تراشیده شود.

تشویق به عقیقه کردن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ بِعَقِيقَتِهِ تُذْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِعِهِ وَيُحْلَقُ وَيُسَمَّى»^۲.

هر بچه‌ای در گرو عقیقه‌اش است که در روز هفتم از طرف او ذبح کرده می‌شود و سرش تراشیده و نامگذاری کرده می‌شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَنِ الْغُلَامِ شَاتَانِ، وَعَنِ الْجَارِيَةِ شَاةٌ»^۳.

از طرف پسر بچه دو گوسفند و از دختر بچه یک گوسفند عقیقه کرده می‌شود.

تشویق به درست کردن طعام برای بستگان میت:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اصْنَعُوا لِإِلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا، فَإِنَّهُ قَدْ أَتَاهُمْ أَمْرٌ شَعَلَهُمْ»^۱.

۱ . المستدرک للحاکم ۷۵۸۸، و صححه و وافقه الذهبي.

۲ . صحیح، ابوداود ۲۸۳۸

۳ . صحیح، ابوداود ۲۸۳۵

برای بستگان جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه طعام بسازید؛ زیرا اتفاق بزرگی برایشان پیش آمده که ایشان را به خود مشغول ساخته است.

دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به میزبان:

عبدالله بن بسر می گوید: زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد پدرم میهمان بود بعد از سرو غذا به وی چنین دعائی کرد: «اللَّهُمَّ، بَارِكْ لَهُمْ فِي مَا رَزَقْتَهُمْ، وَاعْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمْهُمْ».^۱
خداوندا! در آن چه رزق و روزی ایشان گردانیدی؛ برکت قرار بده و ایشان را بیامرز و رحم کن.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: صَنَعَ أَبُو الْهَيْثَمِ بْنُ التَّيْهَانِ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: طَعَامًا فَدَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابَهُ فَلَمَّا فَرَعُوا قَالَ: «أَثِيبُوا أَخَاكُمْ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا إِثَابَتُهُ؟ قَالَ «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ فَأَكَلَ طَعَامَهُ، وَشَرِبَ شَرَابَهُ، فَدَعَا لَهُ فَذَلِكَ إِثَابَتُهُ»^۲

جابر بن عبدالله رضی الله عنهما می گوید: ابوالهیثم بن التیهان برای رسول الله صلی الله علیه وسلم طعامی درست کرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم و یاران ایشان را دعوت نمود. زمانی که از خوردن فارغ گشتند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: برادرتان را پاداش دهید. گفتند: ای رسول خدا! پاداش وی چیست؟ فرمود: هرگاه کسانی به منزل شخصی داخل شدند و طعامش خورده شد و نوشیدنی اش نوشیده شد پس او را دعا کردند؛ این پاداش وی است.

۱ . صحیح، ابوداود ۳۱۳۲

۲ . مسلم ۲۰۴۲

۳ . ضعیف، ابوداود ۳۸۵۳

دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به افطار دهندہ:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا أَفْطَرَ عِنْدَ نَاسٍ قَالَ: "أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ، وَأَكَلْ طَعَامَكُمْ الْأَبْرَارُ، وَتَنَزَّلَتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ!"^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه نزد کسی افطار می کرد؛ می فرمود: روزه داران نزد شما افطار کنند (تا ثواب عظیمی کسب کنید) و نیکوکاران طعام شما را بخورند (که نشانه‌ی صلاح مال و کسب اجر و پاداش است) و فرشتگان (در منزلتان) فرود آیند و میهمان شوند (جائی که فرشتگان حاضر شوند رحمت می بارد).

صفت آداب رسول الله صلی الله علیه وسلم پیش از غذا و اثنای آن:

صفت طعام رسول الله صلی الله علیه وسلم:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار حریص بود که طعامش از ناپاک نباشد:
۱. مانند حرام و نجس: خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ لَا أَجِدُ فِيمَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ﴾^۲

بگو در آنچه به من وحی شده است چیزی را بر خورنده‌ای حرام نمی یابم مگر مردار و خون روان و گوشت خوک.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾^۳

۱. صحیح، مسند احمد ۱۳۰۸۶

۲. الأنعام/۱۴۵

۳. البقرة/۱۶۸

ای مردم! آن چه در زمین است و حلال و پاکیزه است؛ بخورید. و پا به پای شیطان راه نیفتید. بی گمان او دشمن آشکار شماست.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « يَا كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ، إِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ لَحْمٌ نَبَتَ مِنْ سُحْتٍ »^۱

ای کعب بن عجره! گوشتی که با حرام پرورش یافته؛ داخل بهشت نمی شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ: ﴿ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا، إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾^۲ وَقَالَ: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ﴾^۳ ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، يَا رَبِّ، يَا رَبِّ، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَعُذِي بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ؟^۴ »

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که گفته است: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای مردم! همانا خداوند متعال پاک است، فقط پاکی ها را قبول می کند. همانا خداوند به مؤمنان امر کرده همان گونه که به پیامبران امر نموده و فرموده است: "ای پیامبران! از پاکی ها بخورید و عمل صالح انجام دهید؛ بی گمان من به آنچه شما انجام می دهید آگاهم." و فرمود: "ای کسانی که ایمان آورده اید! بخورید از پاکی هایی که رزق شما کردیم."

۱ . صحیح، صحیح ابن حبان ۱۷۲۳

۲ . المؤمنون/۵۱

۳ . البقرة/۱۷۲

۴ . مسلم ۱۰۱۵

سپس مردی را یاد کرد که سفرش طولانی شده، با موهای ژولیده و صورت غبارآلود، دو دستش را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌گوید: ای پروردگار من، ای پروردگار من! در حالی که خوراک او حرام است و آشامیدنی او حرام است و با حرام تغذیه شده است؛ چگونه چنین دعایی مستجاب شود؟

۲. یا نجس گردیده: رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد روغن جامدی که در آن موش افتاده فرمود: «الْفُوهَا وَمَا حَوْلَهَا فَاطْرَحُوهُ، وَكُلُوا سَمَنَكُمْ»^۱.
آن را و اطراف آن را جدا سازید و دور بیندازید و روغن خود را مصرف کنید.
۳. یا مضر باشد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ»^۲.

ضرر رساندن به خود و ضرر رساندن به دیگران جایز نیست.

۴. یا مُسْکِر و مست کننده باشد: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید قطعاً می‌خورگی و قماربازی و بت‌ها [که در کنار آنها قربانی می‌شود] و تیرها [و سنگها و اوراقی که برای بخت‌آزمایی و فال‌زنی و غیب‌گویی به کار برده می‌شود همه از لحاظ معنوی] پلید و از عمل شیطان می‌باشند پس از آنها دوری کنید؛ امید است که رستگار شوید.

۵. یا حق دیگران به آن تعلق گرفته باشد: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾^۴.

۱ . البخاري ۲۳۵

۲ . المستدرک للحاکم ۲۳۴۵، وقال: صحیح علی شرط مسلم ووافقه الذهبي.

۳ . المائدة/ ۹۰

۴ . النساء/ ۲۹

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال خود را بین یکدیگر به ناحق نخورید.
 ۶. یا حیوان حرام گوشت باشد: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ﴾^۱.
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمان خویش وفادار باشید.
 ۷. رسول الله صلی الله علیه وسلم در پرهیز از حلال و حرام و بهره‌وری از مال پاک، تنفیذ کننده و اجرا کننده‌ی دستورات خداوند متعال بود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾^۲.
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید از پاک‌هایی که روزی شما کردیم؛ بخورید.
 ۸. رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از خوردن طعام، دستان مبارک خویش را می‌شست و بر این کار تشویق و ترغیب می‌نمود.

قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: " كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ أَوْ يَشْرَبَ - قَالَتْ -: عَسَلَ يَدَيْهِ، ثُمَّ يَأْكُلُ أَوْ يَشْرَبُ".^۳
 رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه می‌خواست که بخورد یا بیاشامد؛ دستان خویش را می‌شست سپس می‌خورد و می‌نوشید.

رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَرَكَتُ الطَّعَامِ الْوُضُوءُ قَبْلَهُ، وَالْوُضُوءُ بَعْدَهُ»^۴.

برکت غذا، شستن دست‌ها قبل از آن و بعد از آن است.

رُوِيَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُكْثِرَ اللَّهُ خَيْرَ بَيْتِهِ، فَلْيَتَوَضَّأْ إِذَا حَضَرَ عَدَاؤُهُ، وَإِذَا رُفِعَ»^۱.

۱ . المائدة/ ۱

۲ . البقرة/ ۵۷

۳ . صحيح، النسائي ۲۵۷

۴ . ضعيف، ابوداود ۳۷۶۱

هر کس دوست دارد که خداوند خیر خانه‌اش را فراوان بگرداند؛ هرگاه غذایش حاضر شد و هرگاه غذایش برداشته شد؛ دستانش را بشوید.
۹. رسول الله صلی الله علیه وسلم متواضعانه بر روی زمین و یا بر سفره‌ای غذا می‌خورد.

عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: مَا أَكَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى خِوَانٍ، وَلَا فِي سُكْرُجَةٍ، قَالَ: فَعَلَامَ كَانُوا يَا كَلْبُونَ، قَالَ «عَلَى السُّفْرِ»^۱؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم بر طبق [چیزی شبیه به میزهای غذاخوری امروزی] و نه در کاسه و بشقاب غذاخوری [همان‌گونه که امروزه برای هر نفر یک بشقاب یا یک کاسه گذاشته می‌شود] غذا نمی‌خورد. قتاده گفت: پس چگونه می‌خوردند؟ انس گفت: بر سفره‌های مسافر [سفره‌ی متواضعانه‌ای که مسافر، زاد و توشه‌ی خویش را در آن می‌نهد].

۱۰. رسول الله صلی الله علیه وسلم همانند کسانی که زیاد می‌خورند؛ غذا نمی‌خورد.

عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لِرَجُلٍ عِنْدَهُ: «لَا أَكُلُ وَأَنَا مُتَّكِيٌّ»^۲.

ابوجحیفه گفت: من نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم. پس به مردی که نزد ایشان بود فرمود: من در حالی که تکیه داده‌ام؛ (چیزی) نمی‌خورم.
۱۱. رسول الله صلی الله علیه وسلم کم‌خوری را پیشه‌ی خویش ساخته بود و پرخوری را دوست نداشت زیرا خوردن بیش از حد انسان را از عبادت بازمی‌دارد.

۱. ضعیف، ابن ماجه ۳۲۶۰

۲. صحیح، ابن ماجه ۳۲۹۲

۳. البخاری ۵۳۹۹

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَا مَلَأَ آدَمِيَّ وَعَاءٌ شَرًّا مِنْ بَطْنٍ. يَحْسِبُ ابْنُ آدَمَ أَكْلَاتٍ يُقِمِّنُ صَلْبَهُ، فَإِنْ كَانَ لَا مَحَالَةَ فَتُلُكُ لِطْعَامِهِ وَتُلُكُ لِشِرَائِهِ وَتُلُكُ لِنَفْسِهِ»^۱

انسان، ظرفی بدتر از شکم را پر نکرده است. برای ابن آدم کفایت است چند لقمه‌ای که کمرش را راست نگه دارد. اگر چاره‌ای ندارد پس یک‌سوم برای غذایش و یک‌سوم برای نوشیدنی‌اش و یک‌سوم برای تنفس جا بگذارد. ۱۲. رسول الله صلی الله علیه وسلم به موجود، راضی بود و هیچ‌گاه از غذایی عیب نمی‌گرفت.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: «مَا عَابَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا قَطُّ، إِنْ اشْتَهَاهُ أَكَلَهُ، وَإِنْ كَرِهَهُ تَرَكَهُ»^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگز از طعامی عیب نمی‌گرفت. اگر اشتهای آن را داشت؛ می‌خورد. و اگر دوست نداشت آن را رها می‌کرد. ۱۳. رسول الله صلی الله علیه وسلم به اجتماع کردن و زیاد شدن دست‌ها بر غذا سفارش می‌کرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ، يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَإِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ، يَكْفِي الثَّلَاثَةِ وَالْأَرْبَعَةَ، وَإِنَّ طَعَامَ الْأَرْبَعَةِ، يَكْفِي الْخُمْسَةَ وَالسَّتَّةَ»^۳

خوراک یک نفر (به تنهایی)، دو نفر (با همدیگر) را کفایت می‌کند. و خوراک دو نفر، سه نفر و چهار نفر را کفایت می‌کند. و خوراک چهار نفر، پنج نفر و شش نفر را کفایت می‌کند.

۱. صحیح، الترمذی ۲۳۸۰

۲. البخاری ۵۴۰۹

۳. مسلم ۳۲۵۵

عَنْ وَحْيِي بْنِ حَرْبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا نَأْكُلُ وَلَا نَشْبَعُ، قَالَ: «فَلَعَلَّكُمْ تَمْتَرُونَ؟» قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: «فَاجْتَمِعُوا عَلَى طَعَامِكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ يُبَارِكْ لَكُمْ فِيهِ»^۱.

اصحاب، خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم عرض کردند. ای رسول خدا! ما غذا می خوریم اما سیر نمی شویم. ایشان فرمودند: شاید جدا جدا غذا می خورید؟ گفتند: بله. فرمودند: پس بر (سفره‌ی) غذایان جمع شوید و نام خدا بر آن ببرید تا این که برای شما در آن برکت قرار داده شود.

صفت خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم:

۱. رسول الله صلی الله علیه وسلم غذا را با نام خدا، آغاز و با شکر خدا به پایان می‌رساند.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُبَيْرٍ، أَنَّهُ حَدَّثَهُ رَجُلٌ خَدَمَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَمَانَ سِنِينَ، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قُرِبَ إِلَيْهِ طَعَامُهُ يَقُولُ: "بِسْمِ اللَّهِ"، وَإِذَا فَرَغَ مِنْ طَعَامِهِ قَالَ: "اللَّهُمَّ أَطْعَمْتَ وَأَسْقَيْتَ، وَأَغْنَيْتَ وَأَقْنَيْتَ، وَهَدَيْتَ وَأَحْيَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَعْطَيْتَ"؟^۲.

عبدالرحمن بن جبیر از شخصی که هشت سال خدمتگزاری رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده است روایت می‌کند که هرگاه به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم طعام ایشان نزدیک کرده می‌شد می‌شنید که می‌فرمود: "بِسْمِ اللَّهِ"، و هرگاه از طعام خویش فارغ می‌شد می‌فرمود: "اللَّهُمَّ أَطْعَمْتَ

۱. حسن، ابوداود ۳۷۶۴

۲. اسناد صحیح، مسند احمد ۱۶۵۹۵

وَأَسْقَيْتَ، وَأَغْنَيْتَ وَأَقْنَيْتَ، وَهَدَيْتَ وَأَحْيَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا
أَعْطَيْتَ".

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا، فَلْيَقُلْ:

بِسْمِ اللَّهِ.^۱

هرگاه یکی از شما اراده داشت غذایی بخورد پس "بِسْمِ اللَّهِ" بگوید.

۲. رسول الله صلی الله علیه وسلم به کودکان آداب طعام را آموزش می داد

بدون اینکه بر آنان خشم و شدت بگیرد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا غُلَامُ، سَمَّ اللَّهُ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ،

وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ».^۲

ای پسر! نام خدا ببر و با دست راست بخور و از جلو خویش بخور.

۳. رسول الله صلی الله علیه وسلم آموزش می داد که اگر کسی غذا را با نام

خدا آغاز نکرد چه باید بگوید.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكُرِ اسْمَ

اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَوَّلِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلَهُ

وَأَخْرَهُ».^۳

هرگاه یکی از شما اراده داشت غذایی بخورد پس نام خداوند متعال ببرد.

اگر فراموش کرد (در ابتدا) نام خداوند متعال ببرد؛ بگوید: بِسْمِ اللَّهِ أَوَّلَهُ وَأَخْرَهُ.

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَأْكُلُ طَعَامًا

فِي سِتَّةِ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ، فَأَكَلَهُ بِلُقْمَتَيْنِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

۱. صحیح، ابن ماجه ۳۲۶۴

۲. البخاري ۵۳۷۶

۳. صحیح، ابوداود ۳۷۶۷

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَمَا أَنَّهُ لَوْ كَانَ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ لَكَفَاكُمْ، فَإِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا، فَلْيُقَلِّ: بِسْمِ اللَّهِ، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَقُولَ: بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ، فَلْيُقَلِّ: بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه شش تن از یارانش غذا می خورد. بادیه نشینی آمد و آن را با دو لقمه تمام کرد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر او "بِسْمِ اللَّهِ" می گفت برای شما کفایت می کرد. پس هرگاه یکی از شما خواست که غذایی بخورد "بِسْمِ اللَّهِ" کند. اگر فراموش کرد در آغاز غذا "بِسْمِ اللَّهِ" کند پس بگوید: بِسْمِ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ.

۴. رسول الله صلی الله علیه وسلم به خوردن با دست راست سفارش می نمود و از خوردن با دست چپ نهی می فرمود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ»^۲

هرگاه یکی از شما (چیزی) خورد؛ باید با دست راستش بخورد. و هرگاه یکی از شما (چیزی) نوشید؛ باید با دست راستش بنوشد. زیرا شیطان با دست چپش می خورد و با دست چپش می نوشد.

عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ، أَنَّ رَجُلًا أَكَلَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشِمَالِهِ، فَقَالَ: «كُلْ بِيَمِينِكَ»، قَالَ: لَا أَسْتَطِيعُ، قَالَ: «لَا اسْتَطَعْتَ»، مَا مَنَعَهُ إِلَّا الْكِبُرُ، قَالَ: فَمَا رَفَعَهَا إِلَيَّ فِيهِ^۱

۱. صحیح، ابن ماجه ۳۲۶۴

۲. مسلم ۲۰۲۰

مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم با دست چپش غذا می خورد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: با دست راست بخور. [آن مرد متکبرانه] گفت: نمی توانم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگز نتوانی. تکبر و غرورش مانع او از اطاعت از رسول الله صلی الله علیه وسلم شد. پس دیگر نتوانست آن را به دهانش ببرد.

قبل از خوردن باید دانست که چه چیزی می خورد؟:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَأْكُلُ شَيْئًا حَتَّى يَعْلَمَ مَا هُوَ؟

رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی نمی خورد تا این که بداند آن چیست.

حضور شیطان بر غذا و چگونگی دور کردن او:

رسول الله صلی الله علیه وسلم، مسلمانان را تشویق می کرد که از شیطان به خداوند پناه ببرند و به او فرصت ندهند که همراه آنان غذا بخورد و اگر چه یک لقمه باشد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ، حَتَّى يَحْضُرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمُ اللَّقْمَةُ، فَلْيُمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَدَى، ثُمَّ لِيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ».^۳

قطعا شیطان در تمام شئون زندگی شما حاضر می شود حتی نزد غذا خوردن شما نیز حاضر می شود. پس هرگاه لقمه‌ی یکی از شما به زمین افتاد:

۱ . مسلم ۲۰۲۱

۲ . مسلم ۱۹۴۶

۳ . مسلم ۲۰۳۳

باید آن را بردارد و آشغالی که بر آن قرار دارد را پاک کند و آن را بخورد و برای شیطان رها نسازد.

عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: «أَمَرْنَا أَنْ نَسْلُتَ الْقِصْعَةَ، قَالَ: «فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ فِي أَيِّ طَعَامِكُمُ الْبِرْكَةُ»!.

رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را امر کرد که بشقاب را پاک کنیم. و فرمود: شما نمی دانید در کدام طعام شما برکت نهفته است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَلَا يَمْسَحُ يَدُهُ بِالْمِنْدِيلِ حَتَّى يُلْعَقَ أَصَابِعَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ الْبِرْكَةُ».^۱

و دستش را با حوله پاک نکند تا این که انگشتانش را بلیسد زیرا نمی داند در کدامین طعام برکت قرار دارد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم غذا را می ستود و گاهی از غذایش

سوال می گرفت:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلَ أَهْلَهُ الْأُدْمَ، فَقَالُوا: مَا عِنْدَنَا إِلَّا خَلٌّ، فَدَعَا بِهِ، فَجَعَلَ يَأْكُلُ بِهِ، وَيَقُولُ: «نِعْمَ الْأُدْمُ الْخَلُّ، نِعْمَ الْأُدْمُ الْخَلُّ»^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم از اهل خویش در مورد نانخورش پرسید. گفتند: جز سرکه چیزی نزد ما وجود ندارد. رسول الله صلی الله علیه وسلم خواستار آن شد و شروع به خوردن آن نمود و فرمود: سرکه چه نانخورش خوبی است. سرکه چه نانخورش خوبی است.

۱. مسلم ۲۰۳۳

۲. مسلم ۲۰۳۳

۳. مسلم ۲۰۵۲

صحبت کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سر سفره:

از رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد شده که سر سفره صحبت کرده است مانند حدیث قبل، و همچنین حدیث ابوهریره رضی الله عنه که گفت: **كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي دَعْوَةٍ، «فَرَفَعَ إِلَيْهِ الذَّرَاعُ، وَكَانَتْ تُعْجِبُهُ فَتَهَسَّ مِنْهَا نَهْسَةً، وَقَالَ: "أَنَا سَيِّدُ الْقَوْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... وَذَكَرَ الْحَدِيثَ بِطَوِيلِهِ»**^۱

ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت بودیم که ساعد کباب شده‌ی گوسفندی برای ایشان آورده شد و ایشان صلی الله علیه وسلم از ساعد کباب شده خوشش می‌آمد. پس یک بار آن را با دندان گرفت و جدا کرد و فرمود: من سرور قوم در روز قیامت هستم... و حدیث طولانی را به تمامی اش بیان کرد.

نهی از طعامی که بر آن منکری باشد:

عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: "نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ مَطْعَمَيْنِ: عَنِ الْجُلُوسِ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ، وَأَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ وَهُوَ مُنْبَطِحٌ عَلَى بَطْنِهِ."^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم از دو نوع خوردن نهی نموده است: از نشستن بر سفره‌ای که در آن خمر باشد و آن که شخص بخورد در حالی که رو به شکم خوابیده است.

**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ عَلَى مَائِدَةٍ يُدَارُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ»**

۱. البخاري ۳۳۴۰

۲. صحيح، ابوداود ۳۷۷۴

کسی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد پس بر سفره‌ای نشیند که خمر در آن گردانده می‌شود.

اجتناب از غذا و نوشیدنی بسیار داغ:

عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ، أَنَّهَا كَانَتْ إِذَا أُتِيَتْ بِثَرِيدٍ، أَمَرَتْ بِهِ فَعُطِّيَ حَتَّى يَذْهَبَ فَوْزُهُ دُخَانِهِ، وَتَقُولُ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «هُوَ أَعْظَمُ لِلْبَرَكَةِ»^۱.

هرگاه نانخورش به نزد اسماء دختر ابی بکر صدیق آورده می‌شد سفارش می‌کرد که پوشانده شود تا این که شدت گرمایش برود. و می‌گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمود: این کار (یعنی صبر کردن تا شدت حرارت آن فروکش کند) برای برکت، عظیم‌تر است.

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكْرَهُ شُرْبَ الْحَمِيمِ.^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشیدن آب داغ ناپسند می‌دانست.

استجاب آغاز خوردن با فرد بزرگ‌تر و فاضل‌تر:

عَنْ حُدَيْفَةَ، قَالَ: كُنَّا إِذَا حَضَرْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا لَمْ نَضَعْ أَيْدِينَا حَتَّى يَبْدَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَضَعُ يَدَهُ.^۳

۱ . المستدرک للحاکم ۷۷۷۹، وقال صحیح علی شرط مسلم ووافقه الذہبی.

۲ . صحیح لغیره، مسند الدارمی ۲۰۹۱

۳ . حسن صحیح، مسند احمد ۱۷۴۲۶

۴ . مسلم ۲۰۱۷

حذیفه می گوید: هرگاه ما نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم برای طعامی حاضر می شدیم؛ دستان خود را در غذا فرو نمی بردیم تا این که رسول الله صلی الله علیه وسلم دست مبارک خویش را در آن می گذاشت.

تحریم خوردن در ظرف های طلا و نقره:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَلْبَسُوا الْحَرِيرَ وَلَا الدِّيَابِجَ، وَلَا تَشْرَبُوا فِي آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَا تَأْكُلُوا فِي صِحَافِهَا، فَإِنَّهَا لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَتَا فِي الْآخِرَةِ.^۱

ابریشم (دیباج نوعی ابریشم نفیس) نبوشید. و در ظرف های طلا و نقره نبوشید و در بشقاب های آن نخورید. بدون شک طلا و نقره در دنیا برای کفار است و در آخرت برای ماست.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ شَرِبَ فِي إِنَاءٍ مِنْ ذَهَبٍ، أَوْ فِضَّةٍ، فَإِنَّمَا يُجْرَجُ فِي بَطْنِهِ نَارًا مِنْ جَهَنَّمَ.^۲

کسی که در ظرف طلا یا نقره می نوشد، همانا آتش را جرعه جرعه در شکم خویش فرو می برد.

فرا رسیدن وقت نماز به هنگام گرسنگی:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وُضِعَ الْعِشَاءُ وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَابْدَءُوا بِالْعِشَاءِ».^۳

هرگاه سفره ی شام پهن کرده شد و وقت اقامه ی نماز فرارسید پس ابتدا شام را آغاز کنید (و سپس نماز بگذارید. زیرا اگر ابتدا نماز آغاز کرده شود چشم

۱ . البخاري ۵۴۲۶

۲ . مسلم ۲۰۶۵

۳ . البخاري ۶۷۱

و دل انسان به سمت غذا می‌رود و خشوع و خضوع - که اصل نماز است - از انسان سلب می‌شود).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ، وَلَا هُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَانِ»^۱.

نماز (کامل) نیست با حاضر شدن طعام، و نه در حالی که ادرار و مدفوع به او فشار وارد کرده است.

صفت نشستن رسول الله صلی الله علیه وسلم برای تناول طعام:

نهی از تکیه دادن به هنگام خوردن:

عَنْ أَبِي جُحَيْفَةَ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لِرَجُلٍ عِنْدَهُ: «لَا آكُلُ وَأَنَا مُتَّكِيٌّ»^۲.

ابوجحیفه گفت: من نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم. پس به مردی که نزد ایشان بود فرمود: من در حالی که تکیه داده‌ام؛ (چیزی) نمی‌خورم.

زانو زدن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر سر سفره:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ، قَالَ: أَهْدَيْتُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَاةً، فَجَثَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ رُكْبَتَيْهِ، يَأْكُلُ، فَقَالَ أَعْرَابِيٌّ: مَا هَذِهِ الْجِلْسَةُ؟ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي عَبْدًا كَرِيمًا، وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا عَنِيدًا»^۳.

عبدالله بن بسر رضی الله عنه می‌گوید: به رسول الله صلی الله علیه وسلم گوسفندی هدیه دادم. پس بر زانویش نشست و خورد. بادیه‌نشینان گفت: این

۱ . مسلم ۵۶۰

۲ . البخاري ۵۳۹۹

۳ . صحيح، ابن ماجه ۳۲۶۳

چه نشستنی است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بی گمان الله عزوجل مرا بنده‌ی بسیار بخشنده و باگذشت قرار داده و مرا متکبر و ستیزه‌جو قرار نداده است.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالت نشستن بر نشیمن گاه

در حالی که ساق ایشان کاشته بود:

عَنْ مُضَعَبِ بْنِ سُلَيْمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَدْنَاءَ يَقُولُ: بَعَثَنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ فَوَجَدْتُهُ «يَأْكُلُ تَمْرًا وَهُوَ مُقْعٍ»^۱

انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا به کاری فرستاد. [آن کار را انجام دادم و] به نزد ایشان برگشتم. ایشان را یافتم که خرما می‌خورد در حالی که روی نشیمن گاه خویش نشسته بود و ساق خویش را کاشته بود.

عَنْ مُضَعَبِ بْنِ سُلَيْمٍ، عَنْ أَدْنَسٍ، قَالَ: «أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِتَمْرٍ، فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْسِمُهُ وَهُوَ مُحْتَفِرٌ، يَأْكُلُ مِنْهُ أَكْلًا دَرِيْعًا»^۲

به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم خرمایی آورده شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم شروع به تقسیم کردن آن کرد و در حالی که روی نشیمن گاه خویش نشسته بود و ساق خویش را کاشته بود؛ از آن شتابان می‌خورد.

امام نووی در شرح صحیح مسلم می‌نویسد: این خرماها مال خود رسول الله صلی الله علیه وسلم بود به همین سبب از آن می‌خورد و به مردم می‌بخشید و

۱ . صحیح، ابوداود ۳۷۷۱

۲ . مسلم ۲۰۴۴

تقسیم می‌کرد. و چون کاری داشت شتابان می‌خورد تا اینکه فوراً گرسنگی‌اش را برطرف سازد و نیرو بگیرد و از آن کار مهم باز نماند.

نهی از خوردن از وسط بشقاب:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ طَعَامًا فَلَا يَأْكُلْ مِنْ أَعْلَى الصَّحْفَةِ، وَلَكِنْ لِيَأْكُلْ مِنْ أَسْفَلِهَا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ تَنْزِلُ مِنْ أَعْلَاهَا»^۱.

هرگاه یکی از شما خواست که طعامی بخورد پس از بالا و وسط بشقاب نخورد بلکه از پایین و کنار آن بخورد. زیرا برکت بر بالا و وسط بشقاب نازل می‌شود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أُتِيَ بِقِضْعَةٍ، فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُوا مِنْ جَوَانِبِهَا، وَدَعُوا ذُرُوتَهَا، يُبَارِكُ فِيهَا»^۲.

به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم کاسه‌ی بزرگی آورده شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: از اطراف آن بخورید و بالا و وسط آن را رها سازید تا اینکه برکت در آن قرار داده شود.

صفت کاسه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم:

رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار میهمان‌نواز بود. به همین سبب میهمان‌زبانی داشت در نتیجه کاسه‌ی ایشان بسیار بزرگ بود.

۱. صحیح، ابوداود ۳۷۷۲

۲. صحیح، ابن ماجه ۳۲۷۵

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ، قَالَ: «كَانَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَصْعَةٌ يُقَالُ لَهَا الْعَرَاءُ يَحْمِلُهَا أَرْبَعَةُ رِجَالٍ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم کاسه‌ی بزرگی داشت که به آن غراء گفته می‌شد و چهار نفر آن را حمل می‌کردند.

امر به خوردن از مقابل خویش:

عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ، قَالَ: كُنْتُ غُلَامًا فِي حَجْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَكَانَتْ يَدِي تَطِيشُ فِي الصَّحْفَةِ، فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا غُلَامُ، سَمَّ اللَّهُ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ»^۲

عمر بن ابی سلمه می‌گوید: من پسر بچه‌ای در دامن رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم و دستم در اطراف بشقاب حرکت می‌کرد و دور می‌زد. رسول الله صلی الله علیه وسلم به من فرمود: ای پسر بچه! نام خدا ببر و با دست راست بخور و از مقابل خویش بخور.

نهی از دو تا دو تا خوردن یا بیش‌تر به همراه دیگران:

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْإِقْرَانِ، إِلَّا أَنْ يَسْتَأْذِنَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ»^۳

رسول الله صلی الله علیه وسلم از دو تا دو تا خوردن خرما نهی نموده است مگر که شخص از برادرش اجازه بگیرد.

۱ . صحیح، ابوداود ۳۷۷۳

۲ . البخاری ۵۳۷۶

۳ . البخاری ۲۴۵۵

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه انگشت:

رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه انگشت می خورد و این ادبی مفید برای منع چاقی و میانه روی در تناول غذا است.

عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ»^۱.

رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه انگشت می خورد.

لیسیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم دستان خویش بعد از خوردن:

رسول الله صلی الله علیه وسلم انگشتان خویش را می لیسید تا اینکه طعام برای شیطان رها کرده نشود و بدین وسیله ما را بر اهتمام ورزیدن به طعام قلیل و عدم اهمال آن تشویق و ترغیب می نماید.

عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ، وَيَلْعَقُ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يَمْسَحَهَا»^۲.

رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه انگشت می خورد. و دست خویش را می لیسید قبل از این که آن را پاک کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَلَا يَمْسَحُ يَدَهُ بِالْمِنْدِيلِ حَتَّى يَلْعَقَ أَصَابِعَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ الْبَرَكَةُ»^۳.

و دستش را با حوله پاک نکند تا این که انگشتانش را بلیسد زیرا نمی داند در کدامین طعام برکت قرار دارد.

۱. صحیح، ابن حبان ۵۲۵۱

۲. مسلم ۲۰۳۲

۳. مسلم ۲۰۳۳

اصل برکت به معنای زیاده و ثبوت خیر و بهره‌وری از آن است. مراد از برکت در این حدیث والله اعلم: آنچه به سبب آن تغذیه حاصل شود و عاقبت و فرجام آن از اذیت و آزار، آفات و بیماری‌ها مصون بوده و انسان را بر طاعت خداوند قوی گرداند.

سفارش به پاک کردن کامل بشقاب:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وَقَعَتْ لُقْمَةٌ أَحَدِكُمْ فَلْيَأْخُذْهَا، فَلْيَمِظْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَدَى وَلْيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدَعْهَا لِلشَّيْطَانِ»^۱.

هرگاه لقمه‌ی یکی از شما به زمین افتاد؛ باید آن را بردارد و آشغالی که بر آن قرار دارد را پاک کند و آن را بخورد و برای شیطان رها نسازد.

رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَكَلَ فِي قِصْعَةٍ، فَلَجَسَهَا، اسْتَعْفَرَتْ لَهُ الْقِصْعَةُ»^۲.

کسی که در کاسه‌ای بخورد و آن را پاک سازد آن کاسه برایش طلب آمرزش می‌کند.

تسبیح طعام نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَدْ رَأَيْتُ الْمَاءَ يَنْبُعُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَقَدْ كُنَّا نَسْمَعُ تَسْبِيحَ الطَّعَامِ وَهُوَ يُؤْكَلُ^۳.

۱ . مسلم ۲۰۳۴

۲ . ضعيف، ابن ماجه ۳۲۷۱

۳ . البخاري ۳۵۷۹

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند: بدون شک دیدم که آب از میان انگشتان رسول الله صلی الله علیه وسلم می جوشید و قطعا ما صدای تسبیح طعام را می شنیدیم در حالی که خورده می شد.

سفارش به الحمد لله گفتن بعد از خوردن غذا:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا أَوْ يَشْرِبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا»^۱.

بی گمان الله عزوجل از بنده راضی می شود اگر لقمه ای بخورد به دنبال آن، شکر خدا را بر آن نعمت بجا آورد. یا هر دفعه ای که بنوشد شکر خدا را بر آن نعمت بجا آورد.

صیغه های حمدی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد شده:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا، ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا، وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي، وَلَا قُوَّةَ» غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ^۲.

هر کس غذایی بخورد سپس بگوید: حمد و ستایش فقط برای خداوندی است که بدون حرکت و قوتی از طرف من، این طعام را به من ارزانی داشت. الله عزوجل گناهان گذشته ی او را می آمرزد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مُودِعٍ وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ، رَبَّنَا»^۳.

۱ . مسلم ۲۷۳۴

۲ . حسن، مسند احمد ۱۵۶۲

۳ . البخاری ۵۴۵۸

حمد و ستایش فقط برای خداوند است حمد و ستایشی بسیار، پاک، پربرکت. پروردگارا! این که خوردیم کافی نیست بلکه تا وقت مرگ، نعمت‌هایت را بر ما استمرار بدار و آخرین طعام ما نباشد و ما محتاج و نیازمند آنیم.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانَا وَأَرْوَانَا، غَيْرَ مَكْفِيٍّ وَلَا مَكْفُورٍ»^۱.

حمد و ستایش فقط برای خداوندی است که ما را کفایت کرد و سیر نمود. پروردگارا این که خوردیم کافی نیست بلکه تا وقت مرگ، نعمت‌هایت را بر ما استمرار بدار بدون این که ناسپاس باشیم.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا، وَسَقَانَا، وَجَعَلَنَا مُسْلِمِينَ»^۲.

حمد و ستایش فقط برای خداوندی است که ما را خوراندید و نوشانید. و ما را مسلمان قرار داد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَ، وَسَقَى وَسَوَّغَهُ وَجَعَلَ لَهُ مَخْرَجًا»^۳.

حمد و ستایش فقط برای خداوندی است که خوراندید و نوشانید و آن را گوارا گردانید و برای آن مخرجی قرار داد.

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَأَطْعِمْنَا خَيْرًا مِنْهُ»^۴.

خداوندا! در این غذا برای ما برکت قرار بده و بهتر از این ما را طعام بده.

مسلمان در یک معده و کافر در هفت معده می‌خورد:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَافَهُ ضَيْفٌ وَهُوَ كَافِرٌ، فَأَمَرَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَاةٍ فَحَلَبَتْ، فَشَرِبَ

^۱ . البخاري ۵۴۵۹

^۲ . ضعيف، ابوداود ۳۸۵۰

^۳ . صحيح، ابوداود ۳۸۵۱

^۴ . حسن، ابوداود ۳۷۳۰

جَلَابِهَا، ثُمَّ أُخْرِيَ فَشَرِبَهُ، ثُمَّ أُخْرِيَ فَشَرِبَهُ، حَتَّى شَرِبَ جِلَابَ سَبْعِ شِيَاهٍ، ثُمَّ إِنَّهُ أَصْبَحَ فَأَسْلَمَ، فَأَمَرَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَاةٍ، فَشَرِبَ جِلَابِهَا، ثُمَّ أَمَرَ بِأُخْرَى، فَلَمْ يَسْتَتِمَّهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُؤْمِنُ يَشْرَبُ فِي مَعَى وَاحِدٍ، وَالْكَافِرُ يَشْرَبُ فِي سَبْعَةِ أَمْعَاءٍ»^۱

میهمان کافری، میهمان رسول الله صلی الله علیه وسلم شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور داد برایش گوسفندی دوشیده شود پس دوشیده شد و آن کافر از شیر آن نوشید. سپس بار دیگر گوسفند دوشیده شد و آن کافر آن را نوشید سپس بار دیگر گوسفند دوشیده شد و آن کافر آن را نوشید تا اینکه شیر دوشیده‌ی هفت گوسفند را نوشید. سپس وقتی صبح کرد مسلمان شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور داد برایش گوسفندی دوشیده شود پس دوشیده شد و آن کافر از شیر آن نوشید. سپس بار دیگر گوسفند دوشیده شد اما آن کافر نتوانست آن را کامل بنوشد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: مسلمان در یک معده می‌خورد و کافر در هفت معده می‌خورد.

سفارش کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم به بستن سر ظروف:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "إِذَا اسْتَجَنَحَ اللَّيْلُ، أَوْ قَالَ: جُنْحُ اللَّيْلِ، فَكُفُّوا صَبِيَّاتِكُمْ، فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَنْتَشِرُ حَيْثُ دُفِئَتْ سَاعَةٌ مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمُ، وَأَغْلِقْ بَابَكَ وَادْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَأَظْفِئْ مِصْبَاحَكَ

وَأَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَأُوْكِ سِقَاءَكَ وَادْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَحَمَّرْ إِيْنَاءَكَ وَادْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، وَلَوْ تَعْرَضُ عَلَيْهِ شَيْئًا^۱!

هرگاه شب آغاز شد کودکان خود را نگه دارید زیرا در این وقت، شیاطین متفرق می‌شوند. و هرگاه پاسی از شب گذشت پس می‌توانید راه آنان را باز بگذارید. و در خانه‌ات را ببند و (بر آن) نام خدا ببر. و چراغت را خاموش کن و (بر آن) نام خدا ببر. و سر ظرف‌هایت را ببوشان و (بر آن) نام خدا ببر. و اگر چه چیزی باشد (مانند: چوبی. با آن چوب، سر ظرف را ببند).

در روایت مسلم آمده: فَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدَكُمْ إِلَّا أَنْ يَعْرَضَ عَلَى إِيْنَائِهِ غُودًا، وَيَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، فَلْيَفْعَلْ^۲.

اگر یکی از شما چیزی نیافت مگر این که چوبی بر ظرفش قرار دهد و نام خدا ببرد پس این کار را انجام بدهد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عَطَّوْا الْإِيْنَاءَ، وَأُوْكُوا السَّقَاءَ، فَإِنَّ فِي السَّنَةِ لَيْلَةً يَنْزُلُ فِيهَا وَبَاءٌ، لَا يَمُرُّ بِإِيْنَاءٍ لَيْسَ عَلَيْهِ غِطَاءٌ، أَوْ سِقَاءٍ لَيْسَ عَلَيْهِ وَكَاءٌ، إِلَّا نَزَلَ فِيهِ مِنْ ذَلِكَ الْوَبَاءِ»^۳.

ظرف‌ها را ببوشانید و مشک‌ها را درپوش بگذارید. زیرا در سال، شبی وجود دارد که وبا در آن نازل می‌شود و از ظرفی که پوشیده نشده و مشک‌ی که درپوش قرار داده نشده گذر نمی‌کند مگر این که از آن وبا در آن ظرف نازل می‌شود.

۱ . البخاري ۳۲۸۰

۲ . مسلم ۲۰۱۲

۳ . مسلم ۲۰۱۴

نهی از آروغ زدن جلو مردم:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: تَجَشَّأَ رَجُلٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: «كُفَّ جُشَاءَكَ عَنَّا، فَإِنَّ أَظْوَلَكُمْ جُوعًا، يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَكْثَرُكُمْ شِبَعًا فِي دَارِ الدُّنْيَا»^۱.

شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آروغ زد. ایشان فرمودند: آروغ خود را از ما دور نگاه دار. قطعا در روز رستاخیز، طولانی ترین شما از لحاظ گرسنگی، بیشترین شما از لحاظ سیری در سرای دنیاست.

عدم اجبار بیماران به غذا خوردن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تُكْرِهُوا مَرَضًاكُمْ عَلَى الطَّعَامِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُطْعِمُهُمْ وَيَسْقِيهِمْ»^۲.

بیماران خود را بر خوردن طعام اجبار نکنید زیرا خداوند تبارک و تعالی ایشان را می خوراند و می نوشاند.

^۱ . حسن، ابن ماجه ۳۳۵۰

^۲ . صحيح، الترمذي ۲۰۴۰

طعام رسول الله صلی الله علیه وسلم:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک روز، دو بار از نان یا گوشت سیر

نخورد:

عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَائِشَةَ، فَدَعَتْ لِي بِطَعَامٍ وَقَالَتْ: مَا أَشْبَحُ مِنْ طَعَامٍ فَأَشَاءُ أَنْ أَبْكِي إِلَّا بِكَيْتٍ قَالَ: قُلْتُ لِمَ؟ قَالَتْ: أَذْكَرُ الْحَالِ الَّتِي فَارَقَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدُّنْيَا، وَاللَّهُ مَا شَبِعَ مِنْ خُبْزٍ وَلَحْمٍ مَرَّتَيْنِ فِي يَوْمٍ^۱.

مسروق می گوید: به خانه‌ی ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها داخل شدم. وی مرا به طعامی فراخواند و گفت: من از طعامی سیر نخوردم و اگر بخواهم گریه کنم گریه می‌کردم. گفتم: چرا؟ گفت: حالتی را به یاد می‌آوردم که رسول الله صلی الله علیه وسلم با آن حالت از دنیا جدا شد. قسم به خداوند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک روز، دو بار از نان و گوشت سیر نشد.

صفت نان رسول الله صلی الله علیه وسلم:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ مَرَّ بِقَوْمٍ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ شَاةٌ مَضَلِيَّةٌ، فَدَعَاؤُهُ، فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ، وَقَالَ: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الدُّنْيَا وَلَمْ يَشْبَعْ مِنْ خُبْزِ الشَّعِيرِ»^۲.

روزی ابوهریره رضی الله عنه بر قومی گذر کرد که مقابل ایشان گوسفند کباب‌شده‌ای بود. ایشان ابوهریره را دعوت کردند. اما وی از خوردن آن پرهیز کرد و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم از دنیا رفت و از نان جو سیر نشد.

۱. الترمذی ۲۳۵۶، وقال هذا حديث حسن صحيح.

۲. البخاری ۵۴۱۴.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَبِيتُ اللَّيَالِي الْمُتَتَابِعَةَ طَاوِيًا، وَأَهْلُهُ لَا يَجِدُونَ الْعِشَاءَ، وَكَانَ عَامَّةَ حُبْرِهِمْ، حُبْرُ الشَّعِيرِ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم شب‌های متوالی گرسنه و شکم خالی می‌خوابید و اهل ایشان شام نمی‌یافتند. و بیش‌تر نان ایشان، نان جو بود [یعنی نان گندم که اعلا است نخوردند].

عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ، أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّعْيِيَّ؟ يَعْنِي الْحَوَارِيَّ، فَقَالَ سَهْلٌ: مَا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التَّعْيِيَّ حَتَّى لَقِيَ اللَّهَ، فَقِيلَ لَهُ: هَلْ كَانَتْ لَكُمْ مَنَاخِلٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ قَالَ: مَا كَانَتْ لَنَا مَنَاخِلٌ، قِيلَ: فَكَيْفَ كُنْتُمْ تَصْنَعُونَ بِالشَّعِيرِ؟ قَالَ: كُنَّا نَنْفُخُهُ فَيَطِيرُ مِنْهُ مَا طَارَ، ثُمَّ نُثَرِّيهِ فَنَعْمِجُهُ.^۲

از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که به او گفته شد: آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم نان آرد سفید الک شده خورده بود؟ سهل بن سعد رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم نان آرد سفید الک شده ندید تا اینکه با الله عزوجل ملاقات کرد. به او گفته شد: آیا در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم الک داشتید؟ گفت: ما الک نداشتیم. گفته شد: پس شما با جو چه کاری انجام می‌دادید؟ گفت: ما آن را فوت می‌دادیم پس از آن می‌پرید آنچه می‌پرید سپس آن را می‌خیساندیم و خمیر می‌ساختیم.

۱ . حسن، ابن ماجه ۳۳۴۷، الترمذی ۲۳۶۰

۲ . صحیح، الترمذی ۲۳۶۴

سفارش به شستن دست‌ها بعد از خوردن:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَامَ وَفِي يَدَيْهِ عَمْرٌ، وَلَمْ يَغْسِلْهُ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»^۱.

کسی که خوابید در حالی که در دستش چربی غذا وجود داشت و آن را نشسته بود؛ پس چیزی (آسیبی) به او رسید جز خود، کسی را ملامت و سرزنش نکند.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «أَكَلَ كَتِفَ شَاةٍ، فَمَضْمَضَ، وَغَسَلَ يَدَيْهِ، وَصَلَّى»^۲.

رسول الله صلی الله علیه وسلم کتف گوسفندی را خورد و آب به دهان کشید و دو دستش را شست و نماز گزارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ، وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ: إِلَّا أَسِيَّةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ»^۳.

از مردان بسیار کامل شدند و از زنان کامل نشدند مگر: آسیه زن فرعون، و مریم دختر عمران، و همانا برتری عایشه بر زنان همانند برتری ترید بر سایر خوراکی‌هاست.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم خیار چنبر با رطب:

رسول الله صلی الله علیه وسلم در دهان مبارک خویش، بین خیار چنبر و رطب درمی‌آمیخت تا اینکه از شدت شیرینی رطب کاسته شود.

۱ . صحیح، ابوداود ۳۸۵۲

۲ . صحیح، ابن ماجه ۴۹۳

۳ . البخاري ۳۴۱۱

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ الْقَيْثَاءَ بِالرُّطْبِ»^۱

عبدالله بن جعفر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که رطب را با خیار چنبر می خورد.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم هندوانه با رطب:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَأْكُلُ الْبَيْطِغِ بِالرُّطْبِ فَيَقُولُ: نَكْسِيرُ حَرِّ هَذَا يَبْرِدُ هَذَا، وَبَرْدُ هَذَا يَجْرِّ هَذَا»^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم هندوانه را با رطب می خورد و می فرمود: حرارت این را با برودت این و برودت این را با حرارت این می شکنیم.

دوست داشتن رسول الله صلی الله علیه وسلم گوشت ساعد:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي دَعْوَةٍ، «فَرَفَعَ إِلَيْهِ الدَّرَاعُ، وَكَانَتْ تُعْجِبُهُ فَنَهَسَ مِنْهَا نَهْسَةً»^۳

ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم دعوت بودیم که ساعد کباب شده‌ی گوسفندی برای ایشان آورده شد و ایشان از ساعد خوشش می آمد. پس یک بار آن را با دندان گرفت و جدا ساخت.

مورد پسند واقع شدن گوشت کمر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَطْيَبُ اللَّحْمِ لَحْمُ الظَّهْرِ»^۴

۱ . مسلم ۲۰۴۳

۲ . حسن، ابوداود ۳۸۳۶

۳ . البخاري ۳۳۴۰

۴ . المستدرک للحاکم ۷۰۹۷، صححه ووافققه الذهبي.

لذیذترین گوشت، گوشت کمر است.

زیاد کردن آبگوشت و توجه به همسایگان:

عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا طَبَخْتَ مَرَقَةً، فَأَكْثِرْ مَاءَهَا، وَتَعَاهَدْ جِيرَانِكَ»^۱

ابوذر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ابوذر! هرگاه آبگوشت پختی پس آب آن را زیاد کن و به همسایگان توجه کن.

نزدیک کردن گوشت به دهان:

عَنْ صَفْوَانَ بْنِ أُمَيَّةَ، قَالَ: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَخْذُ اللَّحْمَ مِنَ الْعِظْمِ بِيَدِي فَقَالَ لِي: «يَا صَفْوَانُ» قُلْتُ: لَبَّيْكَ. قَالَ: «قَرَّبَ اللَّحْمَ مِنْ فِئْتِكَ فَإِنَّهُ أَهْنَأُ وَأَمْرَأُ»^۲

صفوان بن امیه رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا مشاهده کرد در حالی که گوشت را با دستم از استخوان می گرفتم [و جدا می کردم] پس به من فرمود: ای صفوان، گفتم: لبیک. فرمود: گوشت را به دهان خویش نزدیک ساز زیرا آن گواراتر و خوشگوارتر است.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت بریان:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ الْحُزْرِئِ الرُّبَيْدِيِّ، قَالَ: «أَكَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا فِي الْمَسْجِدِ، لَحْمًا قَدْ شُوِيَ»^۳

از عبدالله بن حارث رضی الله عنه روایت شده که گفت: ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل مسجد طعمی می خوردیم که گوشت کباب شده بود.

۱ . مسلم ۲۶۲۵

۲ . المستدرک للحاکم ۷۱۰۳، وقال: هذا حديث صحيح وواقفه الذهبي.

۳ . صحيح، ابن ماجه ۳۳۱۱

خداوند متعال گوشت بریان شده را در قران می ستاید زمانی که در مورد میهمانی کردن ابراهیم علیه السلام صحبت به میان می آورد؛ می فرماید: ﴿فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ﴾^۱

پس درنگ نکرد و با گوساله‌ی بریان شده‌ای آمد.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت گوسفند:

عَنْ جَابِرٍ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا مَعَهُ، فَدَخَلَ عَلَى امْرَأَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَدَبَّحَتْ لَهُ شَاةً، فَأَكَلَ، وَأَتَتْهُ بِقِنَاعٍ مِنْ رُطْبٍ فَأَكَلَ مِنْهُ، ثُمَّ تَوَضَّأَ لِلظُّهْرِ وَصَلَّى، ثُمَّ انْصَرَفَ، فَأَتَتْهُ بِعُلَّالَةٍ مِنْ عُلَّالَةِ الشَّاةِ، فَأَكَلَ، ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ وَلَمْ يَتَوَضَّأْ.^۲

جابر بن عبدالله رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم خارج شد و من همراه ایشان بودم. پس به خانه‌ی زنی از انصار داخل شد. آن زن برای ایشان گوسفندی را سر برید پس خورد. و کاسه‌ای از رطب را برای ایشان آورد پس از آن تناول نمود. سپس برای نماز ظهر وضو گرفت و نماز گزارد سپس منصرف شد. آن زن، باقی مانده‌ی گوشت گوسفند به نزد ایشان آورد پس از آن خورد سپس نماز عصر گزارد و وضو نگرفت.

ستودن و تعریف کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ الْحُزْرِمِيِّ الرَّبِيعِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «أَكَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَعَامًا فِي الْمَسْجِدِ، لَحْمًا قَدْ شُوِيَ»^۳

۱ . هود/۶۹

۲ . حسن صحیح، الترمذی ۸۰

۳ . صحیح، ابن ماجه ۳۳۱۱

عبدالله بن حارث رضی الله عنه می گوید: ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم طعامی را داخل مسجد می خوردیم که گوشت کباب شده بود.

دوست داشتن رسول الله صلی الله علیه وسلم، کدو تنبل را:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ الدُّبَاءَ، قَالَ: فَأَتَيْتُ بِطَعَامٍ - أَوْ دُعِي لَهُ -، قَالَ أَنَسُ: " فَجَعَلْتُ أَتَتَّبِعُهُ، فَأَضَعُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ لِمَا أَعْلَمُ أَنَّهُ يُحِبُّهُ»^۱

از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم کدو تنبل را دوست می داشت. روزی طعامی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده شد یا بسوی طعامی دعوت شد و من شروع کردم و به دنبال کدو می گشتم و آن را مقابل دستان ایشان می گذاشتم. زیرا می دانستم که ایشان، آن را دوست دارد.

عَنْ أَنَسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى غُلَامٍ لَهُ خِيَاطٌ، فَقَدَّمْ إِلَيْهِ قِصْعَةً فِيهَا تَرِيدٌ، قَالَ: وَأُقْبَلْ عَلَيَّ عَمَلِي، قَالَ: «فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَّبَعُ الدُّبَاءَ» قَالَ: فَجَعَلْتُ أَتَتَّبِعُهُ فَأَضَعُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ: فَمَا زِلْتُ بَعْدُ أُحِبُّ الدُّبَاءَ.^۲

همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بر غلام ایشان که خیاط بود؛ داخل شدیم. پس برای ایشان کاسه‌ای که در آن ترید بود؛ جلو آورد و به سمت کارش رفت. رسول الله صلی الله علیه وسلم دنبال کدو می گشت. من نیز شروع کردم و به دنبال کدو می گشتم و آن را مقابل دستان ایشان می گذاشتم. بعد از این همیشه کدو را دوست می دارم.

۱. صحیح، مسند أحمد ۱۳۸۹۴

۲. البخاری ۵۴۲۰

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم کدو تنبل را با گوشت خشک:

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: إِنَّ خَيْطًا دَعَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِطَعَامٍ صَنَعَهُ، قَالَ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: فَذَهَبْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى ذَلِكَ الطَّعَامِ، فَقَرَّبَ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُبْزًا وَمَرَقًا، فِيهِ دُبَّاءٌ وَقَدِيدٌ، فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يَتَتَبَعُ الدُّبَّاءَ مِنْ حَوَالِي الْقُصْعَةِ»، قَالَ: «فَلَمْ أَزَلْ أُحِبُّ الدُّبَّاءَ مِنْ يَوْمِئِذٍ»^۱.

خیاطی، رسول الله صلی الله علیه وسلم را برای طعمی که ساخته بود دعوت نمود. انس رضی الله عنه می گوید: من نیز به همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بسوی آن طعام رفتم. پس نان و خورشتی که در آن کدو تنبل و گوشت خشک بود بسوی رسول الله صلی الله علیه وسلم نزدیک کرد. دیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم در اطراف کاسه بدنبال کدو می گشت. از آن روز به بعد همیشه کدو را دوست می دارم.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت خشک:

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ، قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ، فَكَلَّمَهُ، فَجَعَلَ تُرْعَدُ فَرَائِضُهُ، فَقَالَ لَهُ: «هُوَ نَ عَلَيْكَ، فَإِنِّي لَسْتُ بِمَلِكٍ، إِنَّمَا أَنَا ابْنُ امْرَأَةٍ تَأْكُلُ الْقَدِيدَ»^۲.

مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و با ایشان سخن گفت اما [از ترس] اندامش می لرزید. رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: بر خود آسان بگیر. من پادشاه نیستم، من پسر زنی هستم که گوشت خشک می خورد.

۱ . البخاری ۲۰۹۲

۲ . صحیح، ابن ماجه ۳۳۱۲

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «أَكَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقَدِيدَ بِالْمَدِينَةِ مِنْ قَدِيدِ الْأَضْحَى»^۱

در مدینه همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم گوشت خشک از گوشت های خشک شده ی قربانی می خوردیم.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از خبیص اهل فارس:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ فِي بَعْضِ أَصْحَابِهِ إِذْ أَقْبَلَ عُمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُودُ بَعِيرًا عَلَيْهِ غِرَارَتَانِ مُحْتَجِرُ بِعِقَالِ نَاقَتِهِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مَعَكَ؟» قَالَ: «دَقِيقٌ وَسَمْنٌ وَعَسَلٌ» فَقَالَ: «أَنْخُ» فَأَنَخَ فَدَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِزُومَةٍ عَظِيمَةٍ فَجَعَلَ فِيهَا مِنْ ذَلِكَ الدَّقِيقِ وَالسَّمْنِ وَالْعَسَلِ ثُمَّ أَنْصَجَهُ فَأَكَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَكَلُوا ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: «كُلُوا فَإِنَّ هَذَا يُشْبِهُ خَبِصَ أَهْلِ فَارِسٍ»^۲

رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان برخی از یاران خویش بود که ناگهان عثمان بن عفان رضی الله عنه در حالی که شتری را می راند؛ آمد. بر آن شتر دو مشکی بود که سر آن با طناب شتر بسته شده بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: چه چیزی به همراه داری؟ گفت: آرد و روغن و عسل. فرمود: شتر را بخوابان. عثمان شتر را خواباند. رسول الله صلی الله علیه وسلم دیگر بزرگی را طلب نمود و در آن از آن آرد و روغن و عسل قرار داد سپس آن را پخت. رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن خورد و بقیه نیز از آن خوردند. سپس به یارانش فرمود: بخورید، این شبیه به خبیص اهل فارس است.

۱. صحیح، مسند أحمد ۱۴۵۰۹

۲. المستدرک للحاکم ۷۰۹۳، وقال: هذا حديث صحيح الإسناد ووافقه الذهبي.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از غوره یا خارک خرما:

عَنْ أُمِّ الْمُؤَذَّرِ بِنْتِ قَيْسِ الْأَنْصَارِيَّةِ، قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلِيٌّ نَاقَهُ وَلَنَا دَوَالِي مُعَلَّقَةٌ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَامَ عَلِيٌّ لِيَأْكُلَ، فَطَفِقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِعَلِيٍّ: «مَهْ إِنَّكَ نَاقَهُ» حَتَّى كَفَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَتْ: وَصَنَعْتُ شَعِيرًا وَسَلَقًا، فَجِئْتُ بِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «يَا عَلِيُّ أَصَبَ مِنْ هَذَا فَهُوَ أَنْفَعُ لَكَ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه‌ی من داخل شد و همراه او علی علیه السلام بود که در دروان نقاقت بسر می‌برد [یعنی از بیماری بهبود یافته اما هنوز ضعف داشت]. و برای ما خارک‌هایی [خرمای نارسی که رنگ گرفته اما هنوز سفت است و نرم نشده است] آویزان بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم برخاست و از آن خورد و علی رضی الله عنه نیز برخاست که از آن بخورد اما رسول الله صلی الله علیه وسلم به او فرمود: دست نگه دار، تو در دروان نقاقت قرار داری. تا اینکه علی رضی الله عنه از آن دست کشید. ام‌المؤذر گفت: من [سوپ] جو و چغندر درست کردم و آن را آوردم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای علی! از این بردار که برای تو سودمندتر است.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از پنیر:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: «أُتِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِجُبْنَةٍ فِي تَبُوكَ، فَدَعَا بِسَكِينٍ، فَسَمَى وَقَطَعَ»^۲

در تبوک به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم پنیری آورده شد. پس چاقویی را طلب نمود و نام خدا برد و قطع کرد.

۱. حسن، ابوداود ۳۸۵۶

۲. حسن الإسناد، ابوداود ۳۸۱۹، ورواه أحمد ۲۰۸۰، وقال محققه: حسن لغیره.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از گوشت خرگوش:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: «أَنْفَجْنَا أَرْبَابًا بِمَرِّ الظَّهْرَانِ، فَسَعَى الْقَوْمُ، فَلَعَبُوا، فَأَدْرَكْتُمَهَا، فَأَخَذْتُهَا، فَأَتَيْتُ بِهَا أَبَا طَلْحَةَ، فَذَبَحَهَا وَبَعَثَ بِهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِوَرِكَيْهَا أَوْ فَخِذَيْهَا - قَالَ: فَخِذَيْهَا لَا شَكَّ فِيهِ - فَقَبِلَهُ»، قُلْتُ: وَأَكَلَ مِنْهُ؟ قَالَ: وَأَكَلَ مِنْهُ، ثُمَّ قَالَ بَعْدُ: قَبْلَهُ»^۱

در مرالظهران [منطقه‌ای نزدیک مکه] خرگوشی را از لانه‌اش رم دادیم و برجهان‌دیدیم. مردم دنبالش دویدند و خسته شدند. من به خرگوش رسیدم و آن را گرفتم و نزد ابوطلحه آوردم. ابوطلحه آن را سر برید و رانش یا کفلش را بسوی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاد - راوی می‌گوید: بدون شک رانش بوده است - رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را قبول کرد. گفتم: و از آن خورد؟ گفت: و از آن خورد. سپس بعد از آن گفت: آن را قبول کرد.

امر رسول الله صلی الله علیه وسلم به فرو بردن مگس هنگام واقع شدن

در ظرف:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا وَقَعَ الذُّبَابُ فِي شَرَابٍ أَحَدِكُمْ فَلْيَغْمِسْهُ ثُمَّ لِيَنْزِعْهُ، فَإِنَّ فِي إِحْدَى جَنَاحَيْهِ دَاءٌ وَالْأُخْرَى شِفَاءٌ»^۲

هرگاه مگس در آشامیدنی یکی از شما واقع شد پس آن را در ظرف فرو ببرد سپس آن را جدا سازد زیرا که در یکی از دو بال آن، بیماری و در بال دیگر آن، شفا وجود دارد.

۱ . البخاري ۲۵۷۲

۲ . البخاري ۳۳۲۰

غذایی که رسول الله صلی الله علیه وسلم خوردنش را می‌پسندید:

عَنْ سَلْمَى - امْرَأَةِ أَبِي رَافِعٍ - قَالَتْ: «أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَابْنَ عَبَّاسٍ، وَابْنَ جَعْفَرَ أَتَوْهَا فَقَالُوا لَهَا: اصْنَعِي لَنَا طَعَامًا مِمَّا كَانَ يُعْجِبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُحْسِنُ أَكْلَهُ. فَقَالَتْ: يَا بَنِيَّ لَا تَشْتَهِيهِ الْيَوْمَ قَالَ: بَلَى اصْنَعِيهِ لَنَا. قَالَ: فَقَامَتْ فَأَخَذَتْ مِنْ شَعِيرٍ فَطَحَنَتْهُ، ثُمَّ جَعَلَتْهُ فِي قَدْرٍ، وَصَبَّتْ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنْ زَيْتٍ وَدَقَّتِ الْفُلْفُلَ وَالتَّوَابِلَ فَقَرَّبَتْهُ إِلَيْهِمْ، فَقَالَتْ: «هَذَا مِمَّا كَانَ يُعْجِبُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُحْسِنُ أَكْلَهُ»^۱

سلمی زن ابورافع [برده‌ی آزاد شده‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم] می‌گوید: حسن بن علی و عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر رضی الله عنهم به نزد او رفتند و بدو گفتند: برای ما غذایی درست کن که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را دوست داشتند و خوردنش را می‌پسندیدند. سلمی بدیشان گفت: پسرانم! امروز اشتهای خوردن [چنین غذایی را] نمی‌کنید و از آن نمی‌خورید. گفتند: بلکه آن را برای ما درست کن.

پس برخاست و مقداری جو را گرفت و آن را آرد کرد سپس در دیگ قرار داد و مقداری روغن در آن ریخت و فلفل و ادویه‌جات در آن ریز ریز کرد و بدیشان نزدیک کرد و گفت: این چیزی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را دوست می‌داشت و خوردنش را می‌پسندید.

^۱ . الشمائل الحممدية للترمذي ۱۷۹، وقال الهيثمي في مجمع الزوائد ۱۸۲۹۲: رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ، وَرَجَّاهُ رِجَالُ الصَّحِيحِ غَيْرَ فَايِدٍ مَوْلَى ابْنِ أَبِي رَافِعٍ، وَهُوَ ثِقَةٌ.

رسول الله صلی الله علیه وسلم حلوا و عسل را دوست می داشت:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ الحُلْوَاءَ وَالْعَسَلَ»^۱.

رسول الله صلی الله علیه وسلم حلوا و عسل را دوست می داشت.

رسول الله صلی الله علیه وسلم و کراهیت دانستن خوردن پیاز سیر:

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَتَى بِطَعَامٍ أَكَلَ مِنْهُ، وَبَعَثَ بِفَضْلِهِ إِلَيَّ، وَإِنَّهُ بَعَثَ إِلَيَّ يَوْمًا بِفَضْلَةٍ لَمْ يَأْكُلْ مِنْهَا، لِأَنَّ فِيهَا ثُومًا، فَسَأَلْتُهُ: أَحْرَامٌ هُوَ؟ قَالَ: «لَا، وَلَكِنِّي أَكْرَهُهُ مِنْ أَجْلِ رِيحِهِ»، قَالَ: فَإِنِّي أَكْرَهُ مَا كَرِهْتَ؟

ابوایوب انصاری رضی الله عنه می گوید: هرگاه به رسول الله صلی الله علیه وسلم طعام آورده می شد از آن می خورد و باقی مانده ی آن را به من می داد. روزی باقی مانده ی آن را به من داد که هیچی از آن نخورده بود زیرا در آن پیاز سیر بود. از ایشان پرسیدم: آیا حرام است؟ فرمود: نه، اما به خاطر بویش آن را ناپسند می دانم. ابوایوب رضی الله عنه گفت: من نیز خوش نمی دارم آنچه شما خوش نمی دارید.

نهی از خوردن چیزهای بدبو و وارد شدن به اجتماع:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ البَقْلَةِ فَلَا يَفْرَبَنَّ مَسَاجِدَنَا، حَتَّى يَذْهَبَ رِيحُهَا» يَعْنِي الثُّومَ.^۳

۱ . البخاری ۵۴۳۱

۲ . البخاری ۲۰۵۳

۳ . مسلم ۵۶۱

کسی که از این سبزی خورد پس به مساجد ما هرگز نزدیک نشود تا اینکه بوی آن از بین برود. یعنی: پیاز سیر.

تاکید رسول الله صلی الله علیه وسلم بر بودن خرما در خانه:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «بَيْتٌ لَا تَمْرَ فِيهِ، جِيَاعٌ أَهْلُهُ».^۱
خانه‌ای که خرما در آن نباشد؛ اهل آن گرسنه‌اند.

جدا کردن رسول الله صلی الله علیه وسلم خرمای سالم از فاسد:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِتَمْرٍ عَتِيقٍ
«فَجَعَلَ يُفْتِّشُهُ يُخْرِجُ السُّوسَ مِنْهُ».^۲

به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم خرمای کهنه‌ای آورده شد. ایشان شروع کردند به جستجو کردن، و خرماهای کرم‌خورده و آفت‌زده را از آن جدا کردند.

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم خرما را با کره:

عَنْ أَبِي بُسَيْرٍ السُّلَمِيِّ قَالَ: دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
«فَقَدَّمْنَا زُبْدًا وَتَمْرًا وَكَانَ يُحِبُّ الزُّبْدَ وَالتَّمْرَ».^۳

رسول الله صلی الله علیه وسلم بر ما داخل شد. ما بدیشان کره و خرما آوردیم. ایشان کره و خرما را دوست می‌داشت [کره با خرما و گاهی با آرد مخلوط کرده و پخته می‌شود که به آن خرما روغنی گفته می‌شود].

۱ . صحیح، ابوداود ۳۸۳۱

۲ . صحیح، ابوداود ۳۸۳۲

۳ . صحیح، ابوداود ۳۸۳۷

جواز بهره‌گیری از ظروف کفار:

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: «كُنَّا نَعْزُرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فُنُصِيبُ مِنْ أُنْيَةِ الْمُشْرِكِينَ، وَأَسْقَيْتِهِمْ فَتَسْتَمْتِعُ بِهَا، فَلَا يَعِيبُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ»^۱.

ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم جهاد می‌کردیم و از ظروف غذا و آب مشرکین غنیمت کسب می‌کردیم و از آن استفاده می‌کردیم. ایشان بر این کار از ما عیب نمی‌گرفتند.

عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْحُثَيْيِّ، أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّا نَجَاوِرُ أَهْلَ الْكِتَابِ وَهُمْ يَطْبُخُونَ فِي قُدُورِهِمُ الْخِزِيرَ وَيَشْرَبُونَ فِي أُنْيَتِهِمُ الْحُمْرَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنْ وَجَدْتُمْ غَيْرَهَا فَكُلُوا فِيهَا وَاشْرَبُوا، وَإِنْ لَمْ تَجِدُوا غَيْرَهَا فَارْحَضُوا بِالْمَاءِ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا»^۲.

ابو ثعلبه خثنی رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: ما با اهل کتاب هم‌جوار هستیم و آنان در دیگ‌هایشان گوشت خوک می‌پزند و در ظرف‌هایشان خمر می‌نوشند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر غیر از آن را یافتید پس در آن بخورید و بنوشید و اگر غیر از آن نیافتید پس آن را با آب بشویید و در آن بخورید و بنوشید.

۱ . صحیح، ابوداود ۳۸۳۸

۲ . صحیح، ابوداود ۳۸۳۹

رسول الله صلی الله علیه وسلم و خوردن ملخ:

عَنْ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي أَوْفَى، وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرَادِ فَقَالَ: «عَزَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتًّا، أَوْ سَبْعَ عَزَوَاتٍ، فَكُنَّا نَأْكُلُهُ مَعَهُ»^۱.

ابو يعفور می گوید: از عبدالله بن ابی اوفی در مورد ملخ پرسیدم، گفت: همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم در شش یا هفت پیکار شرکت داشتیم. ما همراه ایشان ملخ می خوردیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُحِلَّتْ لَكُمْ مَيْتَتَانِ وَدَمَانٍ، فَأَمَّا الْمَيْتَتَانِ، فَالْحَوْتُ وَالْجُرَادُ، وَأَمَّا الدَّمَانِ، فَالْكَيْدُ وَالطَّحَالُ^۲.

برای شما دو خون و دو مردار حلال گردانده شده است: اما دو مردار: ماهی و ملخ و اما دو خون: جگر و اسپرز است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم و خوردن ماهی عنبر:

جابر بن عبدالله رضی الله عنهما گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را فرستاد که قافله‌ی قریش را رصد کنیم و ابوعبیده را بر ما امیر قرار داد و ظرفی از جنس پوست را پر از خرما نمود و توشه‌ی ما قرار داد. در این سفر توشه‌ی ما رو به پایان بود که ابوعبیده یک دانه یک دانه از این خرماها به ما می داد. ابوالزبیر گفت: شما با یک دانه خرما چه می کردید؟

جابر رضی الله عنه گفت: همانند کودک، آن را می مکیدیم سپس بدنبال آن آب می نوشیدیم و تا شب ما را کفایت می کرد. و همچنین با عصاهای خویش به شاخه‌ی درختان می زدیم و برگ درختان را می ریختیم و آن را با آب خیس می کردیم و می خوردیم.

۱ . صحیح، ابوداود ۳۸۱۲

۲ . صحیح، ابن ماجه ۳۳۱۴

رفتیم تا اینکه به ساحل دریا رسیدیم. کنار ساحل چیزی را همانند تپه‌ی شنی بزرگی مشاهده کردیم. به سمتش شتابیدیم ناگهان دیدیم ماهی بزرگی است که به آن عنبر گفته می‌شود. ابتدا ابو عبیده گفت: این مردار است و نمی‌توان آن را خورد. سپس گفت: نه، بلکه ما فرستاده‌شدگان رسول الله صلی الله علیه وسلم و در راه خدا هستیم و در محصمه افتاده‌ایم پس بخوریم که برای ما حلال است.

ما سیصد نفر بودیم که حدود یک ماه از آن می‌خوریم تا اینکه آثار فریبه‌ی در ما ظاهر گردید. ما را می‌دید که چربی را از کاسه‌ی چشمش با سبوه‌های بزرگی بیرون می‌آوردیم و گوشتی به اندازه‌ی گاو از آن جدا می‌کردیم. ابو عبیده سیزده نفر ما را در کاسه‌ی چشمش گذاشت و دنده‌ای از دنده‌های سینه‌اش را گرفت و آن را بصورت کمانی کاشت و بلندترین شتر را از زیر آن عبور داد.

مقداری از گوشتش را خشک کردیم و همراه خود به مدینه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردیم و در مورد آن به ایشان خبر دادیم. ایشان فرمودند: این رزقی بوده که الله عزوجل آن را برای شما ارزانی داشته است. آیا از گوشت آن چیزی دارید که به ما بدهید؟ جابر رضی الله عنه گفت: ما نیز مقداری از آن را به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستادیم و ایشان از آن خوردند.^۱

صفت نوشیدنی رسول الله صلی الله علیه وسلم:

رسول الله صلی الله علیه وسلم با سه نفس می نوشید:

عَنْ أَنَسٍ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ ثَلَاثًا»^۱.

رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار در ظرف نفس می کشید. [یعنی به یک دفعه آب نمی نوشید بلکه آن را به سه نفس تقسیم می کرد.]

عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَنَفَّسُ فِي الشَّرَابِ ثَلَاثًا، وَيَقُولُ: «إِنَّهُ أَرْوَى وَأَبْرَأُ وَأَمْرَأُ»^۲.

رسول الله صلی الله علیه وسلم سه بار در ظرف نفس می کشید و می فرمود: قطعاً این عمل، سیراب کننده تر و از بیماری، سالم تر و گواراتر است.

نهی از فوت کردن و دمیدن در آب:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ»^۳.

هرگاه یکی از شما اراده کرد که آب بنوشد پس داخل ظرف نفس نکشد.
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، أَنَّهُ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشُّرْبِ مِنْ ثُلْمَةِ الْقَدَحِ، وَأَنْ يُنْفَخَ فِي الشَّرَابِ»^۴.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از نوشیدن در محل ترک خورده‌ی ظرف و از دمیدن در آشامیدنی نهی نمودند.

۱. مسلم ۲۰۲۸

۲. مسلم ۲۰۲۸

۳. البخاري ۱۵۳

۴. صحيح، ابوداود ۳۷۲۲

نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم به نشسته و ایستاده:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَشْرَبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ قَائِمًا، فَمَنْ نَسِيَ فَلْيُسْتَقَى»^۱.

هرگز یکی از شما به ایستاده آب ننوشد. اگر فراموش کرد (و به ایستاده نوشید) پس با استفراغ بیرون بریزد.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الشُّرْبِ قَائِمًا»^۲.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از نوشیدن به ایستاده نهی نمودند.

تنبیه:

اگر گاهی معذور بود و نتوانست نشسته بنوشد گناهی ندارد که ایستاده بنوشد. دلیل آن:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «سَقَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ زَمْزَمَ فَشَرِبَ وَهُوَ قَائِمٌ»^۳.

ابن عباس رضی الله عنه می گوید: من به رسول الله صلی الله علیه وسلم آب زمزم نوشاندم در حالی که ایشان ایستاده بودند.

همچنین دو حدیث آتی بر آن دلالت می دهند.

علما بین احادیثی که بر نهی و جواز نوشیدن به ایستاده دلالت می دهند چنین جمع نموده اند:

احادیثی که بر نهی نوشیدن به ایستاده دلالت می دهند بر کراهت حمل می شوند و احادیث مخالف آن، بر جواز نوشیدن به ایستاده دلالت می دهند. این

۱ . مسلم ۲۰۲۶

۲ . مسلم ۲۰۲۵

۳ . مسلم ۲۰۲۷

چیزی است که حافظ ابن حجر در فتح الباری از علما نقل کرده و آن را ترجیح داده و امام نووی در شرح صحیح مسلم بر آن رفته است.

نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از دهانه‌ی مشک:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشُّرْبِ مِنْ فَمِ الْقِرْبَةِ أَوْ السَّقَاءِ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم از نوشیدن از دهانه‌ی مشک نهی نمودند.

تنبيه:

احادیث ذیل بر جواز نوشیدن از دهانه‌ی مشک دلالت می‌دهند:

عَنْ كَبْشَةَ الْأَنْصَارِيَّةِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «دَخَلَ عَلَيْهَا، وَعِنْدَهَا قِرْبَةٌ مُعَلَّقَةٌ، فَشَرِبَ مِنْهَا، وَهُوَ قَائِمٌ، فَقَطَعَتْ فَمَ الْقِرْبَةِ تَبْتِغِي بَرَكَهَ، مَوْضِعَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۲.

از کبشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه‌ی ایشان داخل شد و نزد او مشکی آویزان بود پس از آن مشک آب نوشید در حالی که ایستاده بود. کبشه رضی الله عنها به خاطر برکت جای دهان مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم، دهانه‌ی مشک را قطع کرد [و آن را نزد خویش نگهداری نمود].

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنِي أُمِّي، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَيْهَا وَفِي بَيْتِهَا قِرْبَةٌ مُعَلَّقَةٌ، قَالَتْ: فَشَرِبَ مِنَ الْقِرْبَةِ قَائِمًا، قَالَتْ: فَعَمَدْتُ إِلَى فَمِ الْقِرْبَةِ فَقَطَعْتُهَا^۳.

۱ . البخاري ۵۶۲۷

۲ . صحيح، ابن ماجه ۳۴۲۳

۳ . مسند أحمد ۲۷۱۱۵، قال الهيثمي في مجمع الزوائد ۸۲۴۶: رَوَاهُ أَحْمَدُ، وَالطَّبْرَانِيُّ، وَفِيهِ الْبَرَاءُ بْنُ زَيْدٍ وَلَمْ يُضَعِّفْهُ أَحَدٌ، وَتَبَيَّنَتْ رِجَالُهُ الرَّجُلُ الصَّحِيحُ.

از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که گفت: مادرم به من گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه‌ی ایشان داخل شد و نزد او مشکی آویزان بود پس در حالت ایستاده از آن مشک آب نوشید. پس قصد دهانه‌ی مشک کرده و آن را قطع کردم.

حافظ ابن حجر در فتح الباری و امام نووی در شرح صحیح مسلم، احادیث دال بر نهی را بر کراهت ترجیح داده‌اند.

یکی از علت‌هایی که سبب نهی شده امکان وجود حیوانات موذی همچون مار در داخل مشک است همان‌گونه که در این روایت آمده است:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ اخْتِنَاثِ الْأَسْقِيَةِ وَأَنَّ رَجُلًا بَعْدَمَا نَهَى عَنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَامَ بِاللَّيْلِ إِلَى سِقَاءٍ فَاخْتَنَنَهُ فَخَرَجَتْ عَلَيْهِ مِنْهُ حَيَّةٌ»^۱

رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی نمودند که دهانه‌ی مشک‌ها کج کرده شود و از آن آب نوشیده شود. بعد از نهی، شبی مردی به سمت مشکی برخاست و دهانه‌ی آن را کج کرد و از آن آب نوشید پس یکباره ماری از مشک به سمت آن مرد خارج شد.

علت دیگر: زیرا نوشیدن از دهانه‌ی مشک، سبب گندیده و فاسد شدن محتویات آن می‌شود. بنابراین پارچه‌هایی که امروزه وجود دارند و مردم بطور عموم از آن‌ها استفاده می‌کنند از ادب به دور است که شخصی از دهانه‌ی پارچ آب بنوشد بلکه آب را در لیوان ریخته و از لیوان می‌نوشد.

عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُشْرَبَ مِنْ فِي السَّقَاءِ لِأَنَّ ذَلِكَ يُنْتِنُهُ»^۱

^۱ . المستدرک للحاکم ۷۲۱۲، وقال: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ وَمِمَّنْ يُجْرَاهُ،

رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی نمودند که از دهانه‌ی مشک، آب نوشیده شود. زیرا [محتویات] آن را گندیده و فاسد می‌کند.

بنابراین روایاتی که دلالت می‌دهند رسول الله صلی الله علیه وسلم از دهانه‌ی مشک نوشیده است به دو چیز حمل می‌شود:

اول: دهانه‌ی مشک با طناب بسته بوده که در این حالت هیچ حیوان موذی نمی‌تواند داخل آن شود.

دوم: مشک کوچکی بوده و آب کمی در آن وجود داشته است و با در نظر گرفتن این مساله که نفس و حرارت بدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از هر چیزی که بتوان تصور کرد؛ پاک‌تر و خوشبوتر است.

دعای رسول الله صلی الله علیه وسلم به ساقی:

عَنْ أَبِي نُهَيْكٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَخْطَبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: اسْتَسْقَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَتَيْتُهُ بِمَاءٍ فَكَانَتْ فِيهِ شَعْرَةٌ فَأَخَذْتُهَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اللَّهُمَّ جَمِّلُهُ» قَالَ: «فَرَأَيْتُهُ وَهُوَ ابْنُ أَرْبَعٍ وَتَسْعِينَ سَنَةً وَمَا فِي رَأْسِهِ طَاقَةٌ بَيَضَاءٌ»^۱

عمرو بن أخطب رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم آب درخواست نمود. من به ایشان آب آوردم اما در آن یک تار مو بود، آن را گرفتم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خدایا، او را زیبا بگردان.

ابونهییک می‌گوید: من عمرو بن أخطب را دیدم که نود و چهار ساله بود اما در سرش یک تار موی سفیدی وجود نداشت.

^۱ . المستدرک للحاکم ۷۲۱۱، وقال: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَمَنْ يُجْرَجُهُ، ووافقه الذهبي وقال: على شرط مسلم.

^۲ . المستدرک للحاکم ۷۲۰۹، وقال: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَمَنْ يُجْرَجُهُ، ووافقه الذهبي.

سرور نوشیدنی‌ها در دنیا و آخرت:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا إِنَّ سَيِّدَ الْأَشْرِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمَاءُ»^۱.

آگاه باشید! سرور نوشیدنی‌ها در دنیا و آخرت، آب است.

محبوب‌ترین نوشیدنی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم:

عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «كَانَ أَحَبُّ الشَّرَابِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحُلْوُ الْبَارِدُ»^۲.

عایشه رضی الله عنها گفت: محبوب‌ترین نوشیدنی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شیرین خنک بود.

تنبيه: باید توجه داشت که آب خنک، نه آب سردی است که امروزه از یخچال یا آبرسردکن بیرون آورده می‌شود و درجه‌ی برودت آن بسیار پایین است زیرا این نوع نوشیدنی بسیار مضر است.

اما آب خنک در آن زمان، آبی بوده که خنکی آن معتدل بوده است. همانند آبی که در مشک کهنه در زیر سایه قرار گرفته باشد و همچنین در تابستان گرم، آب از چاه کشیده شود به چنین آبهایی، آب خنک تعبیر آورده می‌شود.

نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب زمزم:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَا بِسَجْلٍ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ، فَشَرِبَ مِنْهُ وَتَوَضَّأَ»^۳.

^۱ . المستدرک للحاکم ۷۲۰۲، وقال: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَمُؤْتَمَّرٌ جَاهُ، ووافقه الذهبي.

^۲ . المستدرک للحاکم ۷۲۰۰، وقال: هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَمُؤْتَمَّرٌ جَاهُ ووافقه الذهبي.

^۳ . حسن، مسند أحمد ۵۶۴

رسول الله صلی الله علیه وسلم سطلی از آب زمزم را درخواست نمود. پس از آن نوشید و وضو گرفت.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به نوشیدن آب زمزم تشویق و ترغیب نموده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَاءُ زَمْزَمَ، لِمَا شُرِبَ لَهُ»^۱.

آب زمزم برای هر چیزی است که به خاطر آن نوشیده شود. آب زمزم جدای اینکه آب است خوراک نیز می باشد و اگر کسی به آن اکتفا کند کفایتش می کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَبِي هُرَيْرَةَ: «مَتَى كُنْتَ هَاهُنَا؟»
قَالَ قُلْتُ: قَدْ كُنْتُ هَاهُنَا مُنْذُ ثَلَاثِينَ بَيْنَ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ، قَالَ: «فَمَنْ كَانَ يُطْعِمُكَ؟»
قَالَ قُلْتُ: مَا كَانَ لِي طَعَامٌ إِلَّا مَاءُ زَمْزَمَ فَسَمِنْتُ حَتَّى تَكَسَّرَتْ عَنِّي بَطْنِي، وَمَا أَجِدُ عَلَى كَبِدِي سُخْفَةَ جُوعٍ، قَالَ: «إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ، إِنَّهَا طَعَامٌ طَعِمُ»^۲.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به ابوهریره فرمود: چه مدت در مکه هستی؟ ابوهریره گفت: سی شبانه روز است که اینجا هستم. ایشان فرمودند: چه کسی تو را طعام می داد؟ گفتم: جز آب زمزم خوراکی نداشتیم، پس با خوردن آن، چاق و فربه شدم که گوشت های شکمم لایه لایه بر هم سوار شدند. و هرگز بر کبدم ضعف و لاغری گرسنگی نمی یافتم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: قطعاً که آب زمزم مبارک است و غذایی کافی و سیر کننده است.

۱ . صحیح، ابن ماجه ۳۰۶۲

۲ . مسلم ۲۴۷۳

نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از شیر:

عَنْ أُمِّ الْفَضْلِ، قَالَتْ: «شَكَكَ النَّاسُ فِي صِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عَرَفَةَ، فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ بِإِنَاءٍ فِيهِ لَبَنٌ فَشَرِبَ»^۱.

مردم در مورد روزهی رسول الله صلی الله علیه وسلم در روز عرفه شک و تردید داشتند. ام الفضل بسوی ایشان ظرفی از شیر فرستاد و ایشان از آن نوشیدند.

قَالَ أَبُو بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: «فَحَلَبْتُ كُثْبَةً مِنْ لَبَنٍ فِي قَدَحٍ، فَشَرِبَ حَتَّى رَضِيْتُ»^۲.

ابوبکر رضی الله عنه گفت: یک بار دوشیدن از شیر را در کاسه‌ای دوشیدم، رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشید تا اینکه راضی شدم. همچنین دو حدیث آتی بر این دلالت می‌دهد.

استحباب آغاز از سمت راست:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى بِلَبَنٍ قَدْ شِيبَ بِمَاءٍ، وَعَنْ يَمِينِهِ أَعْرَابِيٌّ، وَعَنْ شِمَالِهِ أَبُو بَكْرٍ، فَشَرِبَ ثُمَّ أَعْطَى الْأَعْرَابِيَّ، وَقَالَ: «الْأَيْمَنَ فَالْأَيْمَنَ»^۳.

به رسول الله صلی الله علیه وسلم شیری آورده شد که با مقداری آب مخلوط شده بود. سمت راست ایشان بادیه‌نشین و سمت چپ ایشان ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود. پس از آن شیر نوشیدند سپس به بادیه‌نشین دادند و فرمودند: اولویت با سمت راست است.

۱ . البخاري ۵۶۰۴

۲ . البخاري ۵۶۰۷

۳ . البخاري ۵۶۱۹

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَدَحٍ، فَشَرِبَ مِنْهُ، وَعَنْ يَمِينِهِ غُلَامٌ أَصْغَرَ الْقَوْمِ، وَالْأَشْيَاحُ عَنْ يَسَارِهِ، فَقَالَ: «يَا غُلَامُ أَتَأْتُنِي لِي أَنْ أُعْطِيَهُ الْأَشْيَاحَ»، قَالَ: مَا كُنْتُ لِأُوْتِرَ بِفَضْلِي مِنْكَ أَحَدًا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ^۱.

به رسول الله صلی الله علیه وسلم ظرفی از شیر آورده شد و از آن نوشید. سمت راست ایشان جوانی کم سن و سال بود و بزرگسالان (همچون خالد بن ولید) در سمت چپ ایشان قرار داشتند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به نوجوان [یعنی: ابن عباس] فرمود: ای پسر! آیا اجازه می دهی که این را به بزرگسالان (که در سمت چپ من هستند) بدهم؟ گفت: ای رسول خدا! من زیادی آبی که از جانب شما به من رسیده را هرگز ایثار نمی کنم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به او داد.

دعای بعد از نوشیدن شیر:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا سُقِيَ لَبَنًا فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ، وَزِدْنَا مِنْهُ، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ يُجْزَى مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَّا اللَّبَنُ»^۲.

هرگاه به کسی شیر داده شد؛ بگوید: خداوند! برای ما در این شیر برکت بینداز و بر آن بیفزای. زیرا هیچ چیزی وجود ندارد که جای خوردنی و نوشیدنی را بگیرد مگر شیر.

۱ . البخاري ۲۳۵۱

۲ . حسن، ابوداود ۳۷۳۰

خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم از عسل:

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَشْرَبُ عَسَلًا عِنْدَ زَيْنَبَ بِنْتِ جَحْشٍ، وَيَمْكُثُ عِنْدَهَا.^۱

از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد زینب بنت جحش رضی الله عنها عسل می خورد و نزد وی می ماند.

استحباب آشامیدن ساقی، آخر از همه:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ سَاقِي الْقَوْمِ آخِرُهُمْ شُرْبًا».^۲
بدون شک ساقی قوم، آخر از همه می نوشد.

نهی از نوشیدن از محل ترک خوردهی ظرف:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، أَنَّهُ قَالَ: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشُّرْبِ مِنْ ثُلْمَةِ الْقَدَحِ، وَأَنْ يُنْفَخَ فِي الشَّرَابِ».^۳
رسول الله صلی الله علیه وسلم از آشامیدن در محل ترک خوردهی ظرف و از دمیدن در آشامیدنی نهی نمودند.

نوشیدن رسول الله صلی الله علیه وسلم از نیبذ خرما و کشمش:

عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: «لَقَدْ سَقَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَدَحِي هَذَا الشَّرَابَ كُلَّهُ: الْعَسَلَ وَالنَّيْبِذَ، وَالْمَاءَ وَاللَّبَنَ».^۴

تمام نوشیدنی‌ها را با این کاسه به رسول الله صلی الله علیه وسلم نوشاندم: عسل، و نیبذ، و آب، و شیر.

۱ . البخاري ۴۹۱۲

۲ . مسلم ۶۸۱

۳ . صحيح، ابوداود ۳۷۲۲

۴ . مسلم ۲۰۰۸

نبیذ: جهت شیرین شدن آب، چند دانه‌ای خرما یا مقداری کشمش داخل آب انداخته می‌شود و از آن تناول کرده می‌شود این نوشیدنی نبیذ نامیده می‌شود. نبیذ تقریباً دو یا سه شبانه‌روز قابل استفاده می‌باشد و بعد از آن، شروع به تخمیر می‌کند و مُسکر می‌شود. به همین سبب در روایات آمده:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُنْبِذُ لَهُ الزَّبِيبُ فِي السَّقَاءِ، فَيَشْرَبُهُ يَوْمَهُ، وَالْغَدَ، وَبَعْدَ الْغَدِ، فَإِذَا كَانَ مَسَاءً النَّالِقَةِ شَرِبَهُ وَسَقَاهُ، فَإِنْ فَضَلَ شَيْءٌ أَهْرَاقَهُ»^۱.

برای رسول الله صلی الله علیه وسلم کشمش در مشک انداخته می‌شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم آن روز و فردا و روز بعد از آن می‌نوشید. وقتی که شب سوم می‌شد از آن می‌نوشید و [مردم را] می‌نوشاند. اگر چیزی افزون می‌شد آن را می‌ریخت [زیرا شروع به تخمیر می‌کرد].

عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ: أَنَّ أَبَا أُسَيْدٍ السَّاعِدِيَّ دَعَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعُرْسِهِ، فَكَانَتْ امْرَأَتُهُ خَادِمَهُمْ يَوْمَئِذٍ، وَهِيَ الْعُرُوسُ، فَقَالَتْ: «مَا تَذَرُونَ مَا أَنْقَعْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ أَنْقَعْتُ لَهُ تَمْرَاتٍ مِنَ اللَّيْلِ فِي تَوْرٍ»^۲.

از سهل بن سعد ساعدی رضی الله عنه روایت است که گفت: ابواسید ساعدی رضی الله عنه، رسول الله صلی الله علیه وسلم را به عروسیش دعوت کرد. همسر ابواسید که عروس بود در آن روز خدمتگزاری می‌کرد. وی گفت: آیا می‌دانید چه چیزی را برای رسول الله صلی الله علیه وسلم در آب خیسانیدم؟ از شب، برای ایشان چند دانه‌ای خرما را در کاسه خیسانیدم.

۱. مسلم ۲۰۰۴

۲. مسلم ۲۰۰۴

معجزات رسول الله صلی الله علیه وسلم:

معجزه‌ی جوشیدن آب از میان انگشتان مبارک رسول الله

صلی الله علیه وسلم و سیراب شدن مسلمانان:

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت می‌کند: ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم که وقت نماز عصر رسید. آبی همراه نداشتیم که وضو بگیریم مگر مقدار کمی که باقی مانده بود. آن آب را در ظرفی ریختند و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند.

ایشان دستان مبارک را در آن قرار داد و انگشتان مبارک را باز نمود. سپس فرمود: به سوی آب وضو بشتابید و برکت از طرف الله می‌باشد.

مردم از آن آب وضو می‌گرفتند و می‌نوشیدند. من نیز در خوردن آن کوتاهی نمی‌کردم و تا جایی که توانستم نوشیدم، زیرا می‌دانستم در آن برکت قرار دارد.

سالم بن عبدالله می‌گوید: به جابر گفتم در این واقعه شما چند نفر بودید؟ گفت: یک هزار و چهارصد نفر.^۱

در روایتی دیگر: تقریباً یک هزار و پانصد نفر^۲

معجزه‌ی تکثیر آب و سیراب شدن مسلمانان:

روایت اول: براء بن عازب رضی الله عنه روایت می‌کند: در غزوه‌ی حدیبیه ما ۱۱۴ نفر بودیم. حدیبیه چاهی است. ما از آن چاه آب کشیدیم تا این که آب تمام شد و قطره‌ای باقی نماند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم بالای چاه نشست و طلب آب نمود. آب آورده شد. ایشان آب را در دهان مبارک چرخاند و مضمضه نمود سپس آن را در چاه ریخت. آب، درون چاه فوران کرد.

۱. البخاری ۵۶۳۹، الترمذی ۳۶۳۳، مسند البزار ۱۴۶۳، صحیح ابن حبان ۶۵۳۸

۲. النسائی ۷۷، صحیح ابن حبان ۶۵۴۰، مسند احمد ۱۴۱۸۱، سنن الدارمی ۲۷

از چاه، آب برداشتیم و به حیوانات دادیم تا این که همه سیراب شدیم.^۱

روایت دوم: معاذ بن جبل رضی الله عنه حدیثی پیرامون غزوه‌ی تبوک روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: فردا إن شاء الله به چشمه‌ی تبوک خواهید رسید و شما وقت چاشت به آن جا می‌رسید. اگر کسی از شما زودتر آن جا رسید چیزی از آب بردارد تا من برسم.

وقتی آن جا رسیدیم دو نفر زودتر رسیدند و خلاف دستور رسول الله صلی الله علیه وسلم از آب چشمه برداشتند.

زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن جا رسید، دانست کسی از آب برداشته است، پس فرمود: چه کسی از آب برداشته است؟

اصحاب گفتند: فلانی و فلانی. رسول الله صلی الله علیه وسلم آنان را سرزنش نمود.

آب باریک باریک از چشمه بیرون می‌آمد. اصحاب با کف دست توانستند مقداری آب جمع‌آوری نمایند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم، دست و صورت مبارک را با آن آب شست و آن را در دهانه‌ی چشمه ریخت. ناگهان چشمه‌ی آب جوشان شد و آب از آن جاری گشت که به سبب آن ارتش اسلام از آن آب سیراب شدند.^۲

روایت سوم: ابوقتاده رضی الله عنه روایت می‌کند: در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم و فرمودند: اگر فردا به آب نرسید تشنه می‌شوید... رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار شد و حرکت کرد ما نیز به دنبال ایشان راه افتادیم. مدتی که راه پیمودیم، فرود آمد و فرمود: آیا همراه شما آب هست؟

گفتم: بله. همراه من ظرفی است که مقداری آب دارد.

فرمود: آن را بیاور.

۱. البخاری ۳۵۷۷، دلائل النبوة للبيهقي ۱۳۰/۶ و ۱۳۱.

۲. مسلم ۷۰۶، الموطأ ۳۳۰، مصنف عبدالرزاق ۴۳۹۹، صحیح ابن خزيمة ۹۶۸،

صحیح ابن حبان ۶۵۳۷، مسند أحمد ۲۲۰۷۰

آن را آوردم.

فرمود: ای مردم، از آب بردارید.

مردم وضو گرفتند تا این که جرعه‌ای باقی ماند.

فرمود: آن را نگه دار، چون خیر بزرگی خواهد داشت...

وقتی ظهر شد و گرما شدید شد، مردم نزد ایشان آمدند و گفتند: ای رسول

خدا! از تشنگی هلاک شدیم.

فرمود: امروز برای شما هلاکتی نیست، سپس فرمود: ای ابا قتاده! آن ظرف

را بیاور.

ظرف را آوردم.

فرمود: در آن را باز کن.

آن را باز کردم و تقدیم ایشان نمودم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم آب می‌ریخت و ابو قتاده به مردم می‌داد.

مردم برای گرفتن آب ازدحام کردند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اجازه بدهید، همه‌ی شما سیراب

خواهید شد.

همه‌ی مردم از آن آب نوشیدند. فقط من و رسول الله صلی الله علیه وسلم

باقی ماندیم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم برایم آب ریخت و فرمود: ای ابوقتاده بنوش.

گفتم: شما بنوشید ای رسول خدا!

فرمود: پخش کننده‌ی آب، آخر می‌نوشد.

من نیز اطاعت نموده، آب نوشیدم و بعد از من رسول الله صلی الله علیه وسلم

نوشید. اما هنوز در ظرف به اندازه‌ی قبل آب بود. انگار کسی از آن استفاده

نکرده بود.

در آن روز، مردم سیصد نفر بودند.^۱

روایت چهارم: عمران بن حُصَین رضی الله عنه روایت می‌کند: ما در سفری همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم... بسیار تشنه شدیم. ناگهان به زنی برخوردیم که سوار بر شتر، دو مشک بزرگ پر از آب به همراه داشت.

به او گفتیم: آب کجا یافت می‌شود؟

گفت: این اطراف آبی وجود ندارد.

گفتیم: بین قبیله‌ی شما و آب چقدر فاصله است؟

گفت: یک شبانه روز.

گفتیم: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بیا.

گفت: رسول الله کیست؟

او را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردیم و گفت‌وگویی که بین ما و او صورت گرفت به عرض رسول الله صلی الله علیه وسلم رساندیم. آن زن ترسید و گفت: من بچه‌های یتیم دارم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمان داد آن دو مشک پر از آب را از شتر پایین بیاورند. بعد از پایین آوردن، رسول الله صلی الله علیه وسلم بزاق مبارک را در آن ریخت و سپس فرمود بنوشید: ما چهل نفر تشنه بودیم، همگی به اندازه‌ای نوشیدیم که سیراب شدیم. علاوه بر آن، ظرف‌ها و مشک‌هایی که نزد ما بود پر از آب نمودیم. همچنین یکی از ما که جنب بود با آن آب غسل کرد. فقط به شتران آب ندادیم. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمان داد آن دو مشک، بار شتر شود. ما می‌دیدیم که آب مشک از قبل بیش‌تر شده بود و مشک از پُری آب می‌خواست بترکد. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم دستور داد از آنچه نزد شما هست به این زن بدهید. خرما و نانی که همراه داشتیم جمع نمودیم و به آن زن دادیم.

^۱ . مسلم ۶۸۱، مسند أحمد ۲۲۵۷۵ و ۲۲۵۴۶، مسند أبی یعلیٰ ۴۲۳۸، صحیح ابن

رسول الله صلی الله علیه وسلم به آن زن فرمود: مشاهده نمودی چیزی از مشک تو کاسته نشد. اما الله عزوجل بود که آب به ما عطا نمود. این طعامها نیز بگیر و به اهل خود بخوران.

آن زن وقتی به نزد قبیله اش رفت به آنان گفت: از نزد کسی آدمم یا ساحر است یا پیامبر خداست، زیرا چنین و چنان از او دیدم. پس از مدتی الله عزوجل به وسیله آن زن قبیله اش را به دین اسلام هدایت نمود و همه مسلمان شدند.^۱

معجزه‌ی تکثیر طعام و سیر شدن مسلمانان:

روایت اول: جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت می کند: در یکی از روزهایی که مشغول حفر خندق بودیم رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیدم که سخت گرسنه شده بود.

با سرعت نزد همسرم رفتم و گفتم: آیا چیزی در خانه داریم؟ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار گرسنه است. همسرم ظرفی که در آن یک صاع (تقریباً دو کیلو و ششصد گرم) جو بود بیرون آورد و تنها بزغاله‌ای که در خانه داشتیم سر بریدم. همسرم جو را آرد کرد و با کمک هم بزغاله‌ی ذبح شده را برای پختن در دیگ قرار دادیم. سپس خواستم به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بروم و ایشان را دعوت کنم. همسرم گفت: ما را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم و کسانی که همراه ایشان هستند خجالت زده نکن (چون غذا به اندازه‌ی کافی وجود ندارد؛ به اندازه‌ای میهمان دعوت کن که آنان را کفایت کند و شرمنده نباشیم).

من خود را به رسول الله صلی الله علیه وسلم رساندم و با صدایی پایین، ایشان را به صرف ناهار دعوت کردم و گفتم: ای رسول خدا! ما بزغاله‌ی

^۱ . البخاری ۳۴۴ و ۳۵۷۱، مسلم ۶۸۲، مسند أحمد ۱۹۸۹۸، مسند البزار ۳۵۸۴،

صحیح ابن خزيمة ۱۱۳ و ۲۷۱، صحیح ابن حبان ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲

کوچکی داشتیم آن را ذبح کردیم و یک صاع جو داشتیم آن را هم آرد نمودیم. شما و همراهانتان امروز میهمان ما هستید.

اما رسول الله صلی الله علیه وسلم ندا زد: ای اهل خندق! جابر بن عبدالله میهمانی ترتیب داده است پس بشتابید.

ایشان رو به من نمودند و فرمودند: دیگ را از روی آتش پایین نیاورید و با خمیرها نان نپزید تا من بیایم.

من شتابان به نزد همسرم آدمم و گفتم: رسول الله صلی الله علیه وسلم در حال آمدن است و مردم همراه ایشان هستند.

همسرم گفت چه کار کردی؟ (این همه میهمان دعوت کردی در حالی که بزغاله‌ی کوچکی بیش نیست اکنون جلو میهمانان شرمنده خواهیم شد).

گفتم: آنچه تو گفتی انجام دادم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید.

خمیر را به ایشان نشان دادم. ایشان بزاق پاک خویش را بر خمیر پاشاند و دعای برکت نمود.

سپس به سراغ دیگ رفت و بزاق پاک خویش را در آن پاشاند و دعای برکت نمود. سپس فرمود: یک نفر دیگر کمک بگیر تا همراهت نان بپزد و

دیگ را نیز از روی آتش پایین نیاور.

میهمانان حدود هزار نفر بودند. قسم به خدا همه‌ی میهمانان سیر خوردند و رفتند اما غذا در دیگ همچنان می‌جوشید و خمیر نیز مثل اول نان می‌داد.^۱

روایت دوم: انس بن مالک رضی الله عنه روایت می‌کند: روزی ابوطلحه انصاری رضی الله عنه از نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه آمد و به همسرش، أم سلیم رضی الله عنها گفت: صدای رسول الله صلی الله علیه وسلم را بسیار ضعیف شنیدم، گویا گرسنه‌اند. آیا نزد تو چیزی هست؟

^۱ . البخاری، ۴۱۰۱، مسلم، ۲۰۳۹، المستدرک للحاکم، ۴۳۲۴، سنن الدارمی، ۴۳

ام سلیم پاسخ داد: بله.

انس رضی الله عنه می گوید: مادرم ام سلیم چند قرص نان جو بیرون آورد. آن را در پارچه‌ای پیچید و به دستم داد و مرا به سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاد. ایشان داخل مسجد میان اصحاب نشسته بودند. مقابل ایشان ایستادم. (قبل از این که انس پیغام خود را بگوید) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ابوظلحه تو را فرستاده؟ گفتم: بله.

فرمود: برای غذا؟ گفتم: بله.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به کسانی که همراه ایشان بودند فرمود: برخیزید. آنان حرکت کردند و من پیشاپیش آنان می رفتم تا این که به ابوظلحه رسیدم و او را از جریان آگاه ساختم.

ابوظلحه گفت: ای ام سلیم! رسول الله صلی الله علیه وسلم با اصحابش می آیند، اما در خانه غذایی نداریم که از آنان پذیرایی کنیم. ام سلیم گفت: خدا و رسولش داناترند.

ابوظلحه به استقبال رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و ایشان را به داخل خانه راهنمایی کرد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ام سلیم! چی داری؟ آن را بیاور.

ام سلیم چند قرص نان، خدمت ایشان تقدیم کرد.

به سفارش رسول الله صلی الله علیه وسلم، نان‌ها را ریز ریز و آن را با روغن ترید کردند. وقتی ترید آماده شد رسول الله صلی الله علیه وسلم دعای برکت نمود و فرمود: به ده نفر اجازه بدهید. آن ده نفر داخل شدند، خوردند تا این که سیر گشتند سپس خارج شدند. بار دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: به ده نفر اجازه بدهید. آنان نیز داخل شدند و سیر خوردند و رفتند. به همین

ترتیب، گروه گروه می آمدند. انس رضی الله عنه تعداد آنان را برآورد می کند و می گوید که آنان تقریباً هفتاد یا هشتاد نفر بودند.^۱

روایت سوم: عبدالرحمن بن ابی بکر رضی الله عنهما روایت می کند: ما همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم، تعداد ما ۱۳۰ نفر بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا همراه یکی از شما غذایی هست؟ یکی از ما یک صاع (تقریباً دو کیلو و ششصد گرم) آرد به همراه داشت، آن را خمیر کردند. سپس مرد مشرکی با موهای ژولیده و قامتی بلند در حالی که گوسفندان را می راند از راه رسید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گوسفند، فروشی است یا هدیه؟ گفت: فروشی است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از او یک گوسفند خرید. سپس اصحاب مشغول پختن غذا شدند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم امر فرمود: جگر آن را کباب بزنند. قسم به خدا! ما ۱۳۰ نفر بودیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم برای هر کدام از ما تکه ای از جگر سهمیه دادند و کسی که حضور نداشت سهمیه ای او را نگه داشتند. سپس غذاها را در دو بشقاب بزرگ قرار داد و همه ی ما از آن خوردیم و سیر شدیم در حالی که غذاها در هر دو بشقاب اضافه آمد. من غذاهای اضافه را بار شتر نمودم.^۲

روایت چهارم: ابوهریره و ابوسعید خدری رضی الله عنهما روایت می کنند: در غزه ی تبوک بر ارتش اسلام گرسنگی شدیدی چیره شد.

^۱ . البخاری ۳۵۷۸ و ۵۳۸۱، ۶۶۸۸، مسلم ۲۰۴۰، الترمذی ۳۶۳۰، مسند البزار

۶۷۵۹، صحیح ابن حبان ۶۵۳۴

^۲ . البخاری ۲۶۱۸ و ۵۳۸۲، مسلم ۲۰۵۶، مسند احمد ۱۷۰۳ و ۱۷۱۱، مسند

مجاهدین گفتند: ای رسول خدا! اگر اجازه بدهی شتران را سر ببریم، از گوشت آن بخوریم و از روغن آن استفاده کنیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: انجام دهید.

عمر رضی الله عنه آمد و گفت: ای رسول خدا! اگر این کار کنیم، مرکوب کم می شود. به نظر من دستور بفرمایید غذاهای باقی مانده، جمع کرده شود، سپس شما به پیشگاه الله عزوجل دعا کنید تا خداوند در آن برکت قرار دهد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بله. پس فرمان داد پوستی را پهن کنند و باقی مانده‌ی غذاها را روی آن بریزند. کسی به اندازه‌ی یک کف دست، ذرت و دیگری خرما و دیگری نان آورد، تا این که مقدار کمی روی پوست جمع آوری شد. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم دعای برکت نمود، سپس فرمود: ظرف‌هایتان را بیاورید.

مجاهدین یکی یکی ظرف‌های خود را می آوردند تا این که همه‌ی مجاهدین، ظرف‌های خود را پر از غذا نمودند و از آن غذاها خوردند و سیر گشتند، اما پوست هنوز پر از غذا بود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گواهی می دهم آن که جز الله معبودی به حق نیست و من فرستاده‌ی او هستم. هرکسی که شهادتین را بگوید بدون این که تردیدی در آن داشته باشد از بهشت محروم نمی شود.^۱

روایت پنجم: ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند: در حالی که چند دانه‌ی خرما در دست داشتم (در بعضی از روایات آمده که ۲۱ دانه خرما بوده است) به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم و گفتم: ای رسول خدا! دعا کن، الله عزوجل در این چند دانه‌ی خرما برکت قرار دهد.

^۱ . مسلم ۲۷، مسند احمد ۱۱۰۸۰، مسند البزار ۹۱۹۱، مسند أبی یعلیٰ ۱۱۹۹،

رسول الله صلی الله علیه وسلم دانه‌های خرما را با دست گرفت سپس دعای برکت نمود و فرمود: آن‌ها را بگیر و در کیسه‌ات قرار بده و هرگاه خواستی از آن برداری، فقط دست‌هایت را داخل کیسه فرو کن ولی همی آن‌ها را بیرون نیاور و آن‌ها را از هم جدا نکن.

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: (به برکت رسول الله صلی الله علیه وسلم) از آن کیسه چندین وسق^۱ خرما در راه الله عزوجل^۱ انفاق نمودم. آن کیسه همیشه همراهم بود. اما زمانی که عثمان بن عفان رضی الله عنه خلیفه‌ی مسلمین شهید شد، در آن موقع بود که کیسه را گم کردم.^۲

روایت ششم: جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت می‌کند: پدرم در جنگ أحد شهید شد و از خود بدهکاری بجا گذاشت. نزد طلبکاران رفتم و به آنان گفتم: در مقابل طلبی که از پدرم دارید این خرماها را بردارید. اما قبول نکردند، زیرا خرماهایی که در اختیار داشتیم در مقابل طلب آنان خیلی ناچیز بود.

نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم و قضیه را بازگفتم. فرمود: هرگاه خواستی خوشه‌های خرما را قطع کنی و آن‌ها را در مریب (محلّی که خرماها را خشک می‌کنند) بگذاری، مرا خبر بده.

موقع خشک کردن خرما، رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه ابوبکر و عمر رضی الله عنهما آمدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم نشست و دعای برکت نمود، سپس فرمود: طلب‌کاران را صدا بزن، بیایند طلب‌های خود را بگیرند.

^۱ . هر وسق برابر با شصت صاع است و هر صاع، چهار مُد (به پری دو کف دست) تقریباً دو کیلو و ششصد گرم می‌باشد. پس هر وسق تقریباً برابر با ۱۵۶ کیلو می‌شود.

^۲ . حسن، الترمذی ۳۸۳۹، صحیح ابن حبان ۶۵۳۲، مسند احمد ۸۶۲۸

جابر رضی الله عنه می گوید: همه‌ی طلبکاران حاضر شدند و تمام بدهی پدرم را تسویه نمودم. (به برکت رسول الله صلی الله علیه وسلم) سیزده وسق^۱ خرما بیش تر آمد. مغرب آن روز به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم و گفتم: همه‌ی طلبکاران طلب خویش را گرفتند ولی باز سیزده وسق زیاد آمد. رسول الله صلی الله علیه وسلم تبسم نمود و فرمود: نزد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما برو و به ایشان نیز اطلاع بده.

من نزد آن دو بزرگوار رفتم و جریان را به عرض رساندم. گفتند: وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم آن جا نشست و دعا فرمود ما می دانستیم چنین می شود (یعنی چنین معجزه‌ای اتفاق می افتد).^۲

روایت هفتم: سمره بن جندب رضی الله عنه روایت می کند: ما نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم که کاسه‌ای بزرگ، حاوی ترید، خدمت ایشان آوردند. از آن تناول کرد و کسانی که حضور داشتند نیز از آن خوردند. این گروه سیر خوردند و رفتند. گروهی دیگر آمدند آنان نیز سیر خوردند و رفتند. باز گروهی دیگر آمدند و این میهمانی از صبح تا ظهر ادامه داشت. گروهی می خوردند سپس بلند می شدند و می رفتند و به دنبال آنان گروهی دیگر می آمدند.

مردی به سمره بن جندب رضی الله عنه گفت: آیا طعام از جایی می آمد؟ در پاسخ گفت: از چه چیز آن تعجب می کنی؟ طعام زیاد نمی شد مگر از آن جا، و اشاره به آسمان نمود.^۱

^۱ هر وسق برابر با ۶۰ صاع است و هر صاع، چهار مُد (به پری دو کف دست) تقریباً ۲ کیلو و ۶۰۰ گرم می باشد. پس هر وسق تقریباً برابر با ۱۵۶ کیلوگرم می شود و ۱۳ وسق برابر با ۲۰۲۸ کیلوگرم می شود.

^۲ البخاری ۲۷۰۹ و ۲۱۲۷ و ۲۳۹۵ و ۲۴۰۵ و ۲۶۰۱ و ۲۷۸۱ و ۳۵۸ و ۴۰۵۳ و ۶۲۵۰، صحیح ابن حبان ۶۵۳۶ و ۷۱۳۹، ابوداود ۲۸۸۴، ابن ماجه

روایت هشتم ابو رافع برده‌ی آزادشده‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌گوید: برای رسول الله صلی الله علیه وسلم گوسفند کباب‌شده‌ای آوردند. ایشان به من فرمودند: ای ابو رافع! دست گوسفند را برایم بیاور. من نیز تقدیم نمودم. سپس فرمودند: ای ابو رافع! دست گوسفند را برایم بیاور. بار دوم، دست گوسفند را خدمت ایشان تقدیم نمودم. بار سوم فرمودند: ای ابو رافع! دست گوسفند را برایم بیاور. گفتم: ای رسول خدا! مگر یک گوسفند بیش از دو دست دارد؟ فرمودند: اگر اعتراض نمی‌کردی هر وقتی که ندا می‌زدم: ای ابو رافع، دست گوسفند را برایم بیاور، همین طور از دیگر، دست گوسفند بیرون می‌آوردی و تمام نمی‌شد.^۲

روایت نهم: جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت می‌کند: ام‌مالک رضی الله عنها ظرفی از پوست دباغی شده داشت که در آن روغن می‌گذاشت و به رسول الله صلی الله علیه وسلم هدیه می‌داد. روزی در منزل ام‌مالک رضی الله عنها چیزی یافت نشد، فرزندانش به نزدش آمدند و روغن طلب کردند. او به سراغ ظرفی رفت که به رسول الله صلی الله علیه وسلم در آن روغن هدیه می‌داد. ناگهان ظرف را پر از روغن یافت. از آن روز به بعد، این ظرف همیشه پر از روغن بود و هر چه از آن بر می‌داشتند تمام نمی‌شد تا این که روزی آن را فشرده. ام‌مالک به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و جریان را به عرض ایشان رساند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آن را فشردی؟

^۱ . صحیح، الترمذی ۳۶۲۵، مسند احمد ۲۰۱۳۵ و ۲۰۱۹۶، مصنف ابن ابی شیبہ

۳۱۷۰۸، سنن الدارمی ۵۷، المستدرک للحاکم ۴۲۳۳

^۲ . حسن، مسند احمد ۵۰۸۹ و ۲۳۸۵۹ و ۲۷۱۹۴، سنن الدارمی ۴۵، مسند البزار

ام مالک گفت: بله.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر آن را نمی فشردی برای همیشه روغن می داد.^۱

معجزه‌ی پر شیر گشتن پستان گوسفند:

روایت اول: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند: من نوجوانی بودم که برای گوسفندان عقبه بن ابی معیط چوپانی می کردم. روزی اطراف مکه، گوسفندان را به چرا برده بودم که رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق رضی الله عنه را دیدم. ایشان برای رهایی از اذیت و آزار مشرکین مکه، به کوه‌ها پناه برده بودند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: فرزندم! آیا شیر به همراه داری؟
گفتم: آری، اما من امانتدارم. (یعنی بعضی از گوسفندان شیر دارند اما من کارگری امین هستم و نمی توانم از مال مردم به شما ببخشم).
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: گوسفندی را که آبستن نیست و شیر ندارد برایم بیاور.

من گوسفندی را آوردم که شیر نداشت.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به پستان گوسفند دست کشید و به پیشگاه الله عزوجلّ دعا فرمود. ناگهان پستان گوسفند پر از شیر شد. ابوبکر صدیق رضی الله عنه ظرفی را آورد و در آن شیر نوشید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن شیر نوشید، سپس ابوبکر صدیق رضی الله عنه و در آخر من نیز از آن شیر نوشیدم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به پستان گوسفند امر نمود: جمع شو. بلافاصله پستان گوسفند جمع شد و همانند قبل خشک گردید.^۱

۱. مسلم ۲۲۸۰، مسند احمد ۱۴۷۴۰ و ۱۴۶۶۴

روایت دوم: حُبَّيش بن خویلد و سلیط بدری و خالد بن خُنَیس خزاعی رضی الله عنهم روایت می کنند: زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق رضی الله عنه از مکه به مدینه هجرت نمودند در میان راه به خیمه‌ی ام‌معبد برخورد نمودند. در این سفر عبدالله بن اُرَیقَط راهنمای آنان بود.

ام‌معبد پیرزنی قوی بود که در خیمه‌ی خود نشسته بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم و ابوبکر صدیق رضی الله عنه خواستند از ام‌معبد گوشت یا خرما خریداری نمایند اما چیزی نیافتند، زیرا قبیله‌ی ام‌معبد در خشک‌سالی به سر می برد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در گوشه‌ی خیمه، گوسفندی را مشاهده نمود. فرمود: ای ام‌معبد این گوسفند چیست؟ ام‌معبد گفت: به خاطر ضعف و ناتوانی نتوانسته همراه گوسفندان دیگر به چرا برود.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: شیر دارد؟ ام‌معبد گفت: ناتوان تر از این است که شیر بدهد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا اجازه می‌دهی آن را بدوشم؟ ام‌معبد گفت: پدر و مادرم به فدایت! اگر شیر داشت ما آن را می‌دوشیدیم، بیا آن را بدوش!

رسول الله صلی الله علیه وسلم با دستان مبارک، پستان گوسفند را مسح نمود، نام خدا برد و دعا فرمود. گوسفند پاهای خود را باز نمود و پستانش پر از شیر شد و نشخوار کرد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم ظرفی را درخواست نمود.

۱. حسن، مسند احمد ۳۵۹۸ و ۴۴۱۲، مصنف ابن ابی شیبه ۳۸۸ و ۲۲۳۰۲، مسند

ابی یعلیٰ ۴۹۸۵ و ۵۰۹۶ و ۵۳۱۱، صحیح ابن حبان ۶۵۰۴ و ۷۰۶۱

ظرف آورده شد. ایشان شیر را نوشیدند و ظرف را پر نمودند و به ام‌معبد دادند. ام‌معبد نیز از آن نوشید تا این که سیر شد.

سپس بقیه، یکی یکی از آن شیر نوشیدند تا این که همه سیر شدند. دوباره رسول الله صلی الله علیه وسلم از آن گوسفند شیر نوشید و ظرف را پر نمود. ام‌معبد با رسول الله صلی الله علیه وسلم بر اسلام بیعت کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عبدالله بن اریقظ، خیمه‌ی ام‌معبد را ترک نموده و به سفر خویش ادامه دادند. بعد از اندک زمانی، ابومعبد، همسر ام‌معبد برگشت. او گوسفندان را به چرا برده بود اما گوسفندان آنان ضعیف و لاغر بودند حتی از ضعف و ناتوانی به سختی راه می‌رفتند.

وقتی ابومعبد ظرف پر از شیر را دید، بسیار شگفت‌زده شد و گفت: ای ام‌معبد! این همه شیر از کجا؟ گوسفندی که نزد تو بود شیری نداشت! ام‌معبد گفت: قسم به خدا! مرد مبارکی به نزد ما آمد که صفات او چنین و چنان بود.

ام‌معبد با جملاتی زیبا رسول الله صلی الله علیه وسلم را توصیف کرد. ابومعبد گفت: قسم به خدا، این صاحب قریش است، درباره‌ی او شنیده بودم و می‌خواستم نزد او بروم و به او ملحق شوم. به خدا قسم، اگر توانستم این کار را انجام خواهم داد.^۱

^۱ . المستدرک للحاکم ۴۲۷۴ وقال صحیح الإسناد، ووافقه الذهبي.

فهرست منابع

- ١- قرآن كريم.
- ٢- صحيح البخاري. الإمام محمد بن اسماعيل البخاري (المتوفى ٢٥٦ هـ)، دار طوق النجاة، الطبعة الأولى ١٤٢٢ هـ.
- ٣- مسند الإمام أحمد بن حنبل. أبو عبد الله أحمد بن حنبل الشيباني (المتوفى: ٢٤١ هـ)، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى ١٤٢١ هـ.
- ٤- مسند الدارمي المعروف بـ (سنن الدارمي). أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي، (المتوفى: ٢٥٥ هـ)، دار المغني للنشر والتوزيع، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ.
- ٥- صحيح مسلم. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ٢٦١ هـ ق)، دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ٦- سنن ابن ماجه. ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: ٢٧٣ هـ)، دار إحياء الكتب العربية.
- ٧- سنن أبي داود. أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني (المتوفى: ٢٧٥ هـ)، المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
- ٨- سنن الترمذي. محمد بن عيسى بن سؤرة الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: ٢٧٩ هـ)، دار الغرب الإسلامي - بيروت ١٩٩٨ م.

- ٩- سنن النسائي. أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي (المتوفى: ٣٠٣ هـ)، مكتب المطبوعات الإسلامية- حلب، الطبعة الثانية ١٤٠٦ هـ.
- ١٠- فتح الباري شرح صحيح البخاري. أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني، دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ هـ.
- ١١- صحيح ابن حبان. محمد بن حبان أبو حاتم، البُستي (المتوفى: ٣٥٤ هـ)، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.
- ١٢- مسند البزار، البحر الزخار. أبو بكر أحمد بن عمرو العتكي المعروف بالبزار (المتوفى: ٢٩٢ هـ ق)، مكتبة العلوم والحكم، الطبعة الأولى (بدأت ١٩٨٨ م، وانتهت ٢٠٠٩ م).
- ١٣- دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة. أحمد بن الحسين الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨ هـ)، دار الكتب العلمية-بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٥ هـ.
- ١٤- الموطأ. مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩ هـ)، مؤسسة زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيرية والإنسانية - أبوظبي- الإمارات، الطبعة الأولى ١٤٢٥ هـ.
- ١٥- مصنف عبد الرزاق. أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني (المتوفى: ٢١١ هـ)، المجلس العلمي- الهند، الطبعة الثانية ١٤٠٣ هـ.
- ١٦- مسند أبي يعلى، أبو يعلى أحمد بن علي التميمي، الموصل (المتوفى: ٣٠٧ هـ)، دار المأمون للتراث- دمشق، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ - ١٩٨٤.

١٧- مصنف ابن أبي شيبة. أبوبكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد العَبَّي (المتوفى: ٢٣٥ هـ)، مكتبة الرشد، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ.

١٨- صحيح ابن خزيمة. أبوبكر محمد بن إسحاق بن خزيمة النيسابوري (المتوفى: ٣١١ هـ)، المكتب الإسلامي - بيروت.